نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال شانزدهم - شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



مهندس سنایی رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

عدم رعایت مقررات ساخت و ساز بر وسعت تخریب ها و تلفات زلزله دشتی افزود

صفحه۵



دوانی رئیس هیئت فوتبال بوشهر :

اداره کل ورزش و جوانان، اراده ای برای بر طرف کردن مشکلات ندارد

صفحه ۷

نطق حجت الاسلام پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان در مجلس:

۱۲ درخواست برای زلزله زدگان دشتی



زلزله در سرزمین خاک و گرما و تش باد



کابوس، وحشت و مرگ بر ویرانه ها موج می زد

صفحه ۸

۳ شاهرخ سروری

همچنان هستم، نقطه سر خط ...

۶ دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل

معرفی «ارجوزهٔ بَرّ العرب فی خلیج فارس»

به مناسبت بزرگداشت روز ملی خلیج فارس

۶ عبدالحمید قیصری

تاسیس مرکز تجاری یا قلعه مستحکم نظامی

به بهانه برگزاری روز ملی خلیج تا ابد فارس

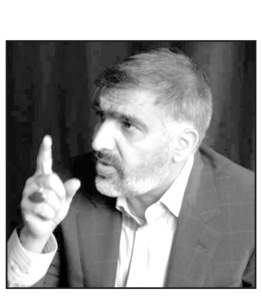
۷

چرا شاهین را به این روز درآوردید؟

خبر
شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

استاندار بوشهر خبر داد:

خسارت ۲۹۹ میلیارد ریالی به زیرساخت‌های شهرستان دشتی



استاندار بوشهر گفت: زلزله بیستم فروردین ۲۹۹ میلیارد ریال به زیرساخت‌های راه، آب و برق خسارت وارد کرد.
به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، فریدون حسنوند ظهر امروز در نشستی با مسئولان استان بوشهر با بیان اینکه زلزله شهرستان دشتی خساراتی به زیرساخت‌های این شهرستان وارد کرده است، تصریح کرد: بر اثر وقوع زلزله ۱۶۰ کیلومتر راه اصلی و فرعی و ۳۳۶ ابنیه خسارت فنی دید که برای روسازی و بازسازی آنها به ۵۷ میلیارد ریال اعتبار نیاز است. وی به خسارت وارد شده به بخش آب روستایی اشاره کرد و افزود: این زمین لرزه صدماتی به خطوط انتقال مجتمع آبرسانی و شبکه توزیع آب در روستاها وارد کرد که در برآورد اولیه برای بازسازی آنها به ۵۸ میلیارد ریال اعتبار عنوان شده است.استاندار بوشهر خسارت ۱۴ میلیارد ریالی به بخش آب شهری را از دیگر خسارات زلزله شهرستان دشتی عنوان کرد و گفت: در جریان این حادثه خطوط انتقال آب و شبکه توزیع آب شنبه خسارت دید که برای بازسازی آن‌ها به ۱۴ میلیارد ریال اعتبار نیاز است. حسنوند با بیان اینکه ۱۷۰ میلیارد ریال خسارت به شبکه برق مناطق زلزله‌زده دشتی وارد شد، بیان کرد: در این حادثه شبکه‌های فشار قوی، متوسط و ضعیف و پست هوایی و انشعاب مشترکان خسارات ویژه‌ای دیدند. وی همچنین افزود: این زمین لرزه به میزان یک‌هزار و ۲۴۰ میلیارد ریال خسارت به واحدهای مسکونی وارد کرد که دو هزار و ۱۰۰ واحد آن در شهرها و ۱۶۰۰ واحد دیگر در روستا بوده است.

انتقاد باهنر از احمدی نژاد در بوشهر:

بیش از شصت درصد از مشکلات کشور مربوط به دولت است

به گزارش خبرنگار نسیم جنوب، همایش تبیین اهداف حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی با سخنرانی محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در بعد از ظهر روز جمعه، ششم اردیبهشت ماه در حسینیه گلزار شهدای بوشهر برگزار گردید.
در این جلسه باهنر با برشمردن خدمات و معایب دولت فعلی مشکلات اصلی کشور را گرانی و بیکاری دانست و گفت: تحریم‌ها تنها بر سی تا چهل درصد بر مشکلات کشور افزوده است و بیش از شصت درصد از مشکلات فعلی ناشی از سؤ مدیریت دولت است.
وی مخالفت جمهوری اسلامی با غرب و آمریکا را خواست همه ملت ایران دانست و افزود: ما بر اصولمان می‌ایستیم و هزینه‌های آن را هم می‌پردازیم. نایب رئیس مجلس با تأیید هدفمندسازی یارانه‌ها، پرداخت یارانه با مبالغ بالاتر از مبلغ فعلی را تورم زا دانست و از دولت احمدی نژاد به خاطر افزایش غیر طبیعی و بیش از حد نقدینگی انتقاد کرد.

کشف بزرگترین محموله سوخت قاچاق در بوشهر

فرمانده دریابانی استان بوشهر از توقیف دو شناور عراقی در ۴۰ مایلی آب‌های بوشهر و کشف بزرگترین محموله سوخت قاچاق در این استان خبر داد. قلندر لشکری در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: مأموران دریابانی استان بوشهر در فاصله ۴۰ مایلی در آب‌های بوشهر دو فروند شناور عراقی را توقیف کرده و از این دو شناور ۱۶۰ هزار لیتر سوخت قاچاق از نوع گازوئیل کشف و ضبط کرده‌اند. وی افزود: ارزش ریالی این میزان سوخت قاچاق حدود ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون رالا بوده و در این ارتباط ۱۰ نفر دستگیر شده‌اند. محموله‌ای که کشف شده بزرگترین محموله سوخت قاچاق در تاریخ دریابانی استان بوشهر محسوب می‌شود.

شکوهی: می خواستند جلوی وزیر ژست بگیرند، خیابان را شخم زدند



درحالی که بعد از مدتها انتظار و با اقدام شهرداری بوشهر خیابان صلح آباد جنب مسکن مهر آسفالت شده بود، شرکت آب و فاضلاب نسبت به حفاری خیابان مذکور اقدام نموده و سپس آن را به امان خدا رها کرده و عبور و مرور برای مردم سخت شده است.
به گزارش بنا؛ این اقدام شهرداری بوشهر که منجر به رفع مشکلات اساسی شهروندان از جمله آب گرفتگی خیابان آن منطقه شده بود، شرکت آب و فاضلاب برای حل فاضلاب منازل مسکن مهر به حفاری در خیابان اقدام کرد و اکنون از ترمیم ۴ هزار متر مربع آسفالت این خیابان عاجز مانده است و فاجعه بزرگی را برای شهرداری به بار آورده است.رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر در نشست علنی شورا با اشاره به اینکه ترمیم آسفالت این خیابان نیازمند اعتباری بالغ بر ۶۰۰ میلیون تومان می باشد، از همراهی شهردار سابق بوشهر برای حفاری در خیابان صلح آباد انتقاد کرد.مسعود شکوهی گفت: تلاشهای زیادی برای آسفالت خیابان مذکور صورت پذیرفت، اما متأسفانه عده ای بخاطر آنکه سریعتر مشکل فاضلاب مسکن مهر را رفع کنند تا برای افتتاح این پروژه جلوی وزیر ژست بگیرند، تمامی زحمات همکارانمان را در شهرداری به باد دادند و خیابان را شخم زدند.وی افزود: شرکت آب و فاضلاب پس از حفاری در خیابان صلح آباد آن را رها کرده و اعلام نموده هزینه ای برای ترمیم آسفالت فعلاً نداریم!
وی از ستاد حفاری شهرداری خواست تا برای رفع مشکل شهروندان مسئولیت ترمیم آسفالت خیابان مذکور را برعهده گرفته و سپس تمامی هزینه های عملیات ترمیم را جزء طلبی های شهرداری از دستگاههای حفار بگذارد.
شکوهی در ادامه تأکید کرد: از این پس برای هر دستگاهی که توان پرداخت هزینه های ترمیم آسفالت را ندارد مجوز حفاری صادر نشود.
رئیس ستاد حفاری شهرداری نیز گفت: قرار بود پس از اتمام عملیات حفاری نسبت به ترمیم آسفالت اقدام کنند که اکنون پس از گذشت یکسال می گویند بودجه ای نداریم.حسام منصوری در ادامه به بی نتیجه ماندن مکاتباتش با دفتر فنی استانداری، شرکت آب و فاضلاب و اداره کل مسکن و شهرسازی خبر داد و افزود: در این خصوص پس از گذشت دو ماه از طریق مکاتبه با دفتر فنی استانداری، شرکت آب و فاضلاب و اداره کل مسکن و شهرسازی موضوع را دنبال کردیم، اما متأسفانه هیچکس پاسخگو نیست.
گفتنی است، در پایان مقرر گردید ستاد حفاری شهرداری هزینه ترمیم آسفالت خیابان صلح آباد را برعهده گرفته و سپس تمامی هزینه ها از شرکت آب و فاضلاب وصول شود.از سوی دیگر با دستور رئیس شورا تا اطلاع ثانوی مجوز حفاری برای شرکت آب و فاضلاب صادر نخواهد شد.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر :

در اختیار گذاشتن سالن ادارات برای کاندیداها، جرم انتخاباتی است

این که سازمانی دولتی، سالن خود را در اختیار یکی از کاندیداها قرار دهد، جرم انتخاباتی است.
به گزارش بیرمی؛ حیدر بحرانی رئیس کل دادگستری استان بوشهر هدف کلی از تشکیل این ستاد را صرفاً در راستای پیشگیری از جرایم انتخاباتی دانست و تأکید کرد که این بدان معناست که ما جایگزین نهاد یا سازمان حاضر شویم. ما دو هدف را دنبال می کنیم؛ یکی فراهم نمودن فضای مناسب و دیگری جلب اعتماد عمومی. بنابراین همه ی سازمان ها می بایست نقش خود را به خوبی ایفا کنند نه این که خودشان تخلف کنند.بحرانی در این رابطه اضافه کرد: شنیده ام که یکی از سازمان ها، پیش قدم شده است که سالن خود را در اختیار یکی از کاندیداها قرار دهد، این جرم انتخاباتی است.
وی بیان کرد: کشور ما به طور میانگین هر سال یک انتخابات برگزار می کنیم، اگر قرار باشد هر انتخابات باعث ایجاد هزینه شود و عده ای بخواهند خدشه ای به آن وارد کنند صحیح نیست. احتمال دارد یک مسئول ستاد یا یک کاندیدا، تخلفاتی انجام دهد، از همین الآن می بایست به صورت پررنگ حضور داشته باشیم. هر سازمان می بایست به فراخور وظیفه اش بر این جریان نظارت داشته باشد.در پایان این نشست که با حضور معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان، دادستان مرکز استان و سایر مسئولین امنیتی برگزار شد، موارد زیر مورد تصویب قرار گرفت:۱- ایجاد شعبه ویژه و انتخاب قاضی ویژه ی جرایم انتخاباتی
۲- نظارت بر ادارات و تذکر این که از در اختیار گذاشتن اماکن دولتی به کاندیداها خودداری شود و سازمان بر این موضوع نظارت داشته باشد
۳- برگزاری دوره های آموزشی رؤسای ستادها و کاندیداهای شورای شهر
۴- برگزاری دوره های آموزشی برای رسانه های مکتوب و سایت ها توسط ارشاد
۵- طراحی پوستر و بروشور و تبلیغات پیشگیرانه ی صدا و سیما
۶- اعلام به شهرستان ها جهت تشکیل ستاد پیشگیری جرایم انتخاباتی

بیانیه انجمن زیست محیطی "سوز" درباره صدور مجوز تخریب یکی از بناهای بافت تاریخی بوشهر

نگرانی از تخریب بناهای بافت تاریخی بوشهر

"هر کس و یا نهادی که فردی را شکنجه نماید، درختی را قطع کند، حیوانی را مورد آزار و شکنجه قرار دهد، اثری باستانی و میراث فرهنگی را تخریب نماید، به مثابه قتل انسانی، آن فرد و یا سازمان جنایتکار است و جنایتی بشری را انجام داده است" (کورت ونه گات)
تمامی محدوده ی بافت تاریخی بوشهر در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مسئولین محترم سازمان میراث فرهنگی و شهرداری بوشهر گویا نمی دانند یا نمی خواهند که بدانند هرگونه تخریب یا حتی تغییر کلی در این محدوده ممنوع است. اما بعضا شاهد موافقت سازمان میراث فرهنگی و صدور مجوز تخریب توسط شهرداری بندر بوشهر می باشیم.
آیا مسئولین ذیربط نمی دانند یا مسائل و مصالح و منافعی دیگری در کار است که اینچنین بی تفاوت اعمال غیر مسئولانه و ویرانگر خود را ادامه می دهند و هیچ توجهی به مخالفت مردم، افکار عمومی، کارشناسان و دوستداران بافت تاریخی بوشهر نمی نمایند. قطعا اهمیت و ارزش بافت تاریخی بوشهر بر کسی پوشیده نیست و مسئولین نیز به این ارزش ها و قوانین موجود واقف اند. پس چرا؟!...
اخیرا ساختمان خانه مبارکی واقع در کوچه شمال موزه مردم شناسی بوشهر و در مجاورت مرکز مهندسی راهبردی فرهنگی حد غرب خانه علوی، اقدام به تخریب ساختمان و تجاوز به حریم خانه علوی نموده است.
با کمال تأسف سازمان میراث فرهنگی با تخریب این ساختمان موافقت نموده و شهرداری بندر بوشهر نیز مجوز تخریب را صادر نموده است. اقدامی که در حد فاجعه می نماید. سازمان میراث فرهنگی آیا نمی داند که این خانه علاوه بر وقوع در محدوده ی بافت تاریخی، در حریم درجه یک ساختمان طاهری (موزه مردم شناسی بوشهر) که به ثبت آثار ملی رسیده قرار دارد؟ اگر پاسخ مثبت است که واویلا، اگر منفی است که وامصیبتا. سازمان میراث فرهنگی که می بایست پاسدار و نگهبان بافت تاریخی بوشهر باشد، چگونه ضوابط و ارزش ها را نادیده گرفته و با تخریب این خانه که در حریم یکی از ساختمان های تحت مدیریت خود قرار دارد، موافقت نموده است؟ شهرداری بوشهر آیا نباید نسبت به حراست از ارزش های معماری و شهرسازی و تاریخی شهر خود حساس تر باشد؟ آیا صرف اینکه سازمان میراث فرهنگی با تخریب بنائی موافقت نموده، دیگر مسئولیت از شهرداری ساقط می گردد و بلادرنگ باید مجوز تخریب صادر نماید؟
آیا شهرداری نباید نسبت به موضوع، بررسی دقیق تری نماید و با پاکسازی ارزش ها و آثار شهر خود مخالفت نماید؟
بدینوسیله مصرانه از مسئولین سازمان میراث فرهنگی و شهرداری بندر بوشهر درخواست می نمائیم که صدور هرگونه مجوز تخریب در بافت تاریخی، منحصر بفرد و ارزشمند بوشهر خودداری نموده و در حفظ و نگه داری این میراث ارزشمند بشری همت مضاعف به خرج دهند.
انجمن زیست محیطی سوز

دستور وزیر نفت برای رفع مشکل پذیرفته‌شدگان بومی

عضو کمیسیون انرژی مجلس از دستور وزیر نفت برای رفع مشکل پذیرفته‌شدگان آزمون وزارت نفت خبر داد.
به گزارش فارس؛ حجت‌الاسلام سید مهدی موسوی‌نژاد اظهار داشت: رسیدگی به مشکلات مردم و به ویژه رسیدگی به مشکلات قشر جوان از مهم‌ترین اولویت‌های مسئولان است.
وی افزود: از ابتدای ورود به مجلس شورای اسلامی در راستای پیگیری مطالبات مردمی تلاش زیادی داشته‌ام و در بسیاری از موارد به نتایج خوبی نیز رسیده‌ایم.
نماینده دشتستان در مجلس شورای اسلامی از دستور وزیر نفت برای رفع مشکلات پذیرفته‌شدگان آزمون استخدامی سال گذشته وزارت نفت خبر داد و خاطرنشان کرد: با پیگیری و رایزنی‌های صورت گرفته، وزیر نفت دستور فوری برای بررسی و حل مشکل قبول‌شدگان آزمون استخدامی نفت در سال گذشته را صادر کرد.
موسوی‌نژاد تصریح کرد: سال گذشته تعدادی از دانش‌آموختگان استان بوشهر به‌عنوان سهمیه جذب بومی در آزمون استخدامی وزارت نفت شرکت کرده و قبول شدند که بسیاری از آنها در مراحل بعدی گزینش موفق به جذب نشدند و این موضوع مورد اعتراض آنها قرار گرفت.
وی اضافه کرد: امیدوار هستیم با دستور وزیر نفت شاهد رفع کامل مشکل و جذب پذیرفته‌شدگان بومی استان بوشهر در وزارت نفت باشیم تا نگرانی خانواده‌های این عزیزان برطرف شود.

آگهی مزایده

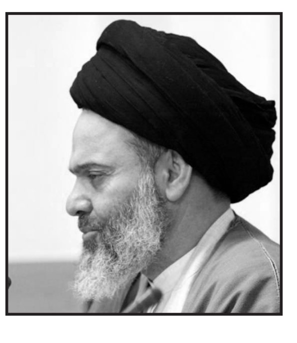
شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر در نظر دارد ۸ دستگاه خودرو اسقاطی سنگین و سبک شامل بنز ۵ تن و۱۰ تن و بنز تک، بیل مکانیکی چرخ لاستیکی هپکو، بلدوزر دی۸، پاترول دو درب و نیسان را از طریق مزایده عمومی بفروش برساند. لذا متقاضیان می توانند ظرف مدت یک هفته از انتشار آگهی به امور حقوقی شرکت به نشانی بوشهر- خیابان رئیسعلی دلواری- شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر- امور حقوقی (طبقه اول) مراجعه و اوراق شرکت در مزایده را دریافت دارند. ضمنا هزینه انتشار آگهی و سایر هزینه های مربوط به عهده برنده مزایده می باشد و شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

امور حقوقی

شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر

مدیر حوزه‌های علمیه سراسرکشور:

بی حجابی زنان در جامعه به دلیل عناد با دین نیست



مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور گفت: بخشی از جامعه ما که به ظاهر در افکار عمومی رعایت حجاب نمی‌کنند به خاطر عناد و رویارویی با دین نیست زیرا پایبندی آنها به یک سلسله باورها و اعتقادات دینی نشان می‌دهد سر ناسازگاری با دین ندارند.
حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهاشم حسینی‌بوشهری با ارزیابی از وضعیت حجاب و عفاف در کشور و برخوردهای مقطعی با مساله بدحجابی، اظهار کرد: به نظر من قبل از هر چیز آگاهی دادن به جامعه و آشنایی کردن جوانان با آموزه‌های دینی در این مساله مهم‌تر و تاثیرگذارتر است.
وی اظهار کرد: بخشی از جامعه ما که به ظاهر رعایت حجاب نمی‌کنند به خاطر عناد و رویارویی با دین نیست چون وقتی سایر عملکرد آنها و پایبندی‌شان به سلسله باورها و اعتقادات دینی را می‌بینیم نشان دهنده این است که آنها با مسائل دینی سر ناسازگاری ندارند.
امام جمعه موقت قم با بیان این‌که «وظیفه متولیان فرهنگی این است که آموزه‌های دینی را گسترش دهند» افزود: باید جهت‌گیری‌های قرآن، آیات و روایات را در رابطه با مساله حجاب و عفاف بیشتر تبیین کنیم و رسانه ملی در این میان سهم بسیار بزرگی به عهده دارد.
حسینی‌بوشهری ادامه داد: رسانه ملی می‌تواند به جای بعضی از برنامه‌های دیگر برنامه‌های جذاب تری در عرصه عفاف و حجاب و مسائل دینی با بیانی روشن و زیبا و در قالبی نو و جذاب ارائه دهد و پس از آن مراحل امر به معروف و ارشاد قرار دارد.
وی تاکید کرد: قبل از هر اقدامی آگاهی‌بخشی و آشنا کردن جوانان و جامعه با وظایف دینی، فرهنگی و اجتماعی مقدم است. مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور در ادامه در پاسخ به این سوال که ارزیابی شما از ایجاد وزارتخانه‌ای با عنوان امر به معروف و نهی از منکر که مورد بحث در محافل مختلف بوده است چیست؟ گفت: این مساله بستگی به یکسری اقدامات همچون تصویب و برنامه‌ریزی دارد اما اصل آن ایده خوبی است، زیرا یکی از فروع دینی ما به نام امر به معروف و نهی از منکر است اما باز هم معتقدم باید ابتدا اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به جامعه و بعد پرداختن به سایر مراتب امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد.
حسینی‌بوشهری خاطرنشان کرد: البته اگر این ایده تحقق پیدا کند در جامعه ما یک وزارتخانه‌ای با ساز و کار مناسب عهده‌دار این کار شود و دستورالعمل روشنی داشته باشد می‌تواند تاثیرگذار باشد.

درخواست شرکت توزیع برق استان بوشهر از شهروندان در خصوص حفاظت از تاسیسات

به گزارش روابط عمومی شرکت توزیع برق استان بوشهر: سید رضا رضوی مدیر عامل این شرکت گفت بخش عمده خاموشی های شبکه روشنایی معابر ناشی از شیوع سرقت تاسیسات برقی می باشد. وی افزود حجم عملیات اجرایی شرکت برق استان در بخش روشنایی بسیار چشمگیر بوده که شهروندان می توانند این رشد را عیناً مشاهده کنند.
وی اضافه کرد با این وجود تهدیدی که امروزه توسعه شبکه توزیع برق با آن روبروست شیوع سرقت تاسیسات برق است وی گفت : از کلیه شهروندان محترم درخواست می شود به محض مشاهده افراد مشکوکی که به هر نحو در حال جمع آوری، برداشت و دست کاری شبکه توزیع هستند سریعاً مراتب را به مراجع انتظامی و همچنین سامانه ۱۲۱ شرکت توزیع برق استان بوشهر اطلاع دهند.
وی تصریح کرد این مهم علی الخصوص در مورد مشترکینی که از تاسیسات اختصاصی برق استفاده می کنند از قبیل مشترکین کشاورزی و صنعتی بیشتر مصداق دارد . مهندس رضوی در پایان بیان داشت همان گونه که شرکت توزیع در بخش ارائه انرژی پایدار و تعمیر و نگهداری فنی شبکه ارائه سرویس می نماید، مشترکین نیز می بایست در خصوص حفاظت فیزیکی تاسیسات به منظور پیشگیری از سرقت دقت کافی به عمل آورند.

عدم استقبال بوشهری ها از باهنر

مراسم سخنرانی باهنر در بوشهر با عدم استقبال مردم بوشهر روبرو شد. به گزارش نسیم جنوب، همایش تبیین اهداف حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی با سخنرانی محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در حالی در حسینیه گلزار شهدای بوشهر برگزار شد، که تنها حدود صد نفر برای سخنان وی در این محل حاضر شدند. این در حالی بود که این مراسم با یک ساعت تاخیر شروع شد که به نظر می رسد، این تاخیر برای جمع شدن تعداد بیشتر افراد برای سخنرانی بود. تاخیر یکساعته شروع سخنرانی، باعث عذرخواهی باهنر از شرکت کنندگان شد.
همچنین اکثر بانوان شرکت کننده با یک دستگاه اتوبوس به محل سخنرانی آمده و با همان اتوبوس نیز مراسم را ترک کردند. نکته قابل توجه این مراسم اینکه باهنر بعد از ایراد سخنرانی، وقتی را برای پرسش حاضران اختصاص نداد و محل سخنرانی را ترک نمود.
عکس های منتشره در سایتهای خبری بوشهر نشان می دهد که از سخنرانی باهنر در برازجان نیز استقبال چندانی صورت نگرفته است.
باهنر کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری است که به نظر می رسد، حضور در بوشهر نیز در همین ارتباط بوده است.

با تشییع ۲ شهید گمنام عطر شهادت در کوچه پس کوچه‌های بردخون پیچید

با حضور گسترده و پرشور مردم بردخون، دو شهید گمنام در این شهر تشییع شدند.
به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، پیکر پاک دوشهید گمنام پس از تشییع در بوشهر، به سمت شهرستان دیّر حرکت داده شدند و پس از عبور از شهرها و روستاهای مسیر، از سه راه بردخون وارد بخش بردخون شدند و مورد استقبال گرم مردم و مسئولان بردخون قرار گرفتند.
پیکر شهیدان گرانقدر گمنام پس از ورود به بردخون از روستاهای کناری، وحدت آباد، آبکش، مغدان، شهنیاء و سجادیه عبور داده شدند و در میان حزن و اندوه مورد استقبال گرم مردم شهیدپرور این روستاها در ورودی روستا قرار گرفتند.
شهدای گمنام امروز حدود ساعت ۱۲ وارد شهر بردخون شدند و بر دستان مردم حزب الله و شهیدپرور که در محل حوزه مقاومت کربلا میعادگاه شهیدان تجمع کرده بودند، به سمت مسجد جامع مصلای نمازجمعه تشییع شدند و از مقام شامخ این شهیدان خوش نام تجلیل شد.
پس از تشییع شهیدان گمنام بر دستان مردم و مسئولان، مراسم باشکوهی در مصلای نمازجمعه برگزار شد که بعد از اجرای مراسم وداع با شهیدان، پیکر پاک این کبوتران خونین بال به سمت شهر دیّر حرکت داده شد تا پس از تشییع آنان در شهر دیّر روز چهارشنبه در شهر آبدان به خاک سپرده شوند.

بیشترین اسامی نوزادان بوشهری طی ۷ سال اخیر

مدیر کل ثبت احوال استان بوشهر گفت: ابوالفضل و فاطمه بیشترین فراوانی نام را درمیان پسران و دخترانی که در هفت سال اخیر در استان بوشهر متولد شده اند به خود اختصاص داده اند.
کیامرث صالحی نیا درگفت وگو با ایرنا اظهارکرد: در سال گذشته ۲۰هزار و۱۸۱واقعه ولادت دراستان بوشهر ثبت شده که به نسبت سال پیش از آن ۵,۳۲ درصد افزایش نشان می دهد.
وی افزود: ازبین متولدین پارسال ۱۰ هزار و۴۴۹ نفر پسر و ۹ هزار و۷۳۲ نفر دختر است و نام های امیرعلی، حسین، امیرحسین، ابوالفضل و محمد در میان پسران و فاطمه، زهرا، رقیه، زینب، فاطمه زهرا میان دختران بیشترین فراوانی را داشته اند.
صالحی نیا بیان کرد: درسال گذشته سه هزار و۸۲۴ واقعه فوت در استان بوشهر ثبت شده که نسبت به سال قبل از آن ۲,۶ درصد کاهش داشته و از میان متوفیات سال گذشته دو هزار ۲۶۳ نفر مرد و یکهزار ۵۶۱ نفر زن بوده اند.
وی اضافه کرد: بیشترین فوت درسال گذشته میان سنین ۸۰ تا ۸۴ ساله ها رخ داده و بیشترین دلیل فوت افراد بیماری های قلبی عروقی بوده است.

موافقت دانشگاه آزاد بوشهر با راه اندازی شعبه تحصیلات تکمیلی در عسلویه

دومین جلسه کمیته گسترش دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دکتر جمال زاده تشکیل شد. دکتر عبدالهی دبیر این کمیته در این خصوص گفت:در این جلسه که با حضورکلیه اعضا تشکیل شد در خواست های واحد های بوشهر ،دشتستان و گناوه و مراکز دیر و کنگان مطرح و بررسی گردید.
دکتر عبدالهی همچنین افزود این شورا با در خواست واحد بوشهر جهت راه اندازی شعبه ای از تحصیلات تکمیلی و راه اندازی رشته شیمی نفت توسط این واحد در عسلویه موافقت کرد. ایشان همچنین افزود: در این جلسه شورا به منظورکمک به افزایش سطح کیفی و کمی برخی واحد ها و مراکز همچون دیلم و دیر با تاسیس رشته به صورت مشترک با واحد بوشهر و دشتستان موافقت کرد .

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

شاهرخ سروری مجری توانمند صدا و سیمای بوشهر، در مصاحبه با نسیم جنوب:

همچنان هستم، نقطه سر خط ...

قسمت دوم



شروع نمایش در رادیو بوشهر

همزمان با تهیه سی مو سی تو به فکر طرحی نو برای برنامه صبح ساحل افتادم. طرحش را نوشتم به نام "سلام بوشهر". سال ۱۳۷۶ در اوج کار و تلاش ما آقای منصوریان (مدیرکل مرکز) دستور تهیه نمایش رادیویی دادند. در این سال اولین نمایش رادیویی مرکز را کارگردانی کردم؛ نمایشی به نام "نرگس" نوشته "حشمت غضنفر" و از آن پس هر هفته یک نمایش هم تهیه می کردم. با آغاز تولید نمایش در رادیو بوشهر هنرمندان دیگری هم به ما پیوستند: استاد ایرج صغیری، نصرت زمان وادی، رامتین بالف، اصغر و عباس جوادی، محسن مکاری، پیمان زنده بودی، مرحوم حمید لطفی و برادرش محمد، محسن دلواری زاده، مسعود نجف پور، آذر و رضا زیتونی، علی قربانی، مرتضی فیروزی، محمد مظفری، جهانشیر یاراحمدی، یونس حیدری، فرشید تربیت، المیرا خرمایی، شقایق زنگویی، کوروش زنگویی، احمد قربانی، محمد صغیری، فرانک بلورزاده و شهرزاد شاکردرگاه.
"یوسف" نام نمایشی است به قلم "دکتر یونس حیدری " که ضمن تهیه، کارگردانی آن نیز به عهده من بود. "مرتضی فیروزی" با صدای گرم و استثنایی خود آن قدر نقش "ناخدا مالک" را پراحساس و باورپذیر بازی کرد که عنوان "بهترین بازیگر مرد" جشنواره تولیدات را به خود اختصاص داد. یک سال بعد "شاهین بهرام نژاد" برای بازی فوق العاده اش در نمایش "آخرین مروارید" که تهیه کننده و کارگردانش من بودم عنوان "بهترین بازیگر مرد" را از آن خود کرد. "فرشته مرد" نوشته "استاد ایرج صغیری" نیز از جمله نمایش هایی بود که تهیه کردم و در بخش "مبارزه با مواد مخدر" عنوان "بهترین نمایش" را کسب نمود.

انتصاب به عنوان مدیر پخش رادیو

در حین فعالیت مستمر در رادیو برنامه های تلویزیون و به ویژه "شونشینی" را اجرا می کردم. اتفاقا در جشنواره تولیدات برای اجرای همین برنامه به تهیه کنندگی آقای "باقر فضلویه" عنوان "بهترین مجری کشور" را کسب کردم در زمان مدیریت آقای "ابراهیم کوهستانی" به سمت مدیر پخش رادیو منصوب شدم البته چندین سال متوالی، هم مدیریت در سیما و هم صدا را پیشنهاد دادند که عشق به برنامه سازی مانع پذیرش من می شد. به هرحال با اصرار زیاد و به ناچار پذیرفتم در همان گام نخست سعی کردم با تنظیم کنداکتور روزانه، هفتگی، ماهانه، فصلی و سالانه بر اساس نیاز مخاطب بومی و قالب و محتوای برنامه ها و تاثیر روانی آنها بر مخاطب هدف و از طرفی تغییر جدول شیفت صدابرداران و افزایش اضافه کار و بهره وری و سختی کار، تحولی در پخش ایجاد کنم. دستی هم به سر و روی پخش کشیدم و در این مسیر دوستان عزیزم در پخش و نظارت نهایت همکاری و گذشت را داشتند. پخش صدا آرام ترین و کاراترین واحد مرکز بود چون هر چه بود رفاقت بود و راستی. در زمان مدیریت آقای "رحیم زاده" پیشنهاد مدیریت در سیما مجددا مطرح شد که نپذیرفتم. تمام عشق و علاقه من رادیو بود و کار کردن کنار عزیزانی که همچون فرزندانم دوست شان داشتم و مانند برادران و خواهرانم عزیز بودند.

حکایت من و رادیو حدیث لیلی و مجنون

داستان من و رادیو حکایت کار و امرار معاش نبود، حدیث لیلی و مجنون بود، قصه عشق، عشقی آتشین،فرهادی شوریده حال که بر پیکر هر کوه و صخره پنجه می کشید. تا صدایش آوایی شود بر تار و پودم ، من در پی صدا بودم غرش ابر،ترانه باران،شولای باد در گندمزار، آواز تیترون ها در نخلستان، نیمه ی موج بر سینه ستبر دریا؛ من دیوانه رادیو بودم، صدای زندگی،صدای مردم،همان هایی که دوست شان دارم تا همیشه خودم وتاهمیشه خدا. همین عشق و علاقه وصف ناپذیر منجر شد دوباره طرحی ارائه کنم، بازهم طرحی نومنحصر به فرد و اینبار مجله ای شبانه با موضوع ادبی - هنری. "مجله شنیداری فانوس" تا آن تاریخ رادیو بوشهر برنامه شبانه نداشت.

روشن شدن فانوس در رادیو

فانوس که هر شب از ساعت ۲۳ تا ۲۴ پخش می شد خیلی زود مورد توجه اهل ادب و هنر استان قرار گرفت. به اتفاق "محمد مهدی محمدیان" نویسندگان، شاعران، آهنگسازان، خوانندگان، فیلم سازان ودیگرهنرمندان زاده استان را از هر کجای ایران که بودند می یافتیم و با ایشان گفتگو می کردیم. "مجید اجرای" عزیز کارشناس شعر بود و به بررسی شعر معاصر جنوب می پرداخت " سید کوچک هاشمی زاده" گویش های جاری در استان را معرفی می کرد و "سید قاسم یاحسینی" نویسندگان استان را. "استاد ایرج صغیری" قصه تعریف می کرد و نوازندگان به صورت زنده موسیقی اجرا می کردند از جمله علی اکبر هنرور و پسرش محمد، اصغر قربانی، غلامرضا دمان، اسماعیل روشن روان، مهدی خسروانی، محسن شریفیان، رضا زال پور، رشید شاه حسینی، محسن حیدریه و بابک دشتی و خوانندگانی همچون سیدروح الله صفوی (آکا- نام آکا را من به سید پیشنهاد دادم و ایشان هم پذیرفت و حالا همه او را با نام آکا می شناسند)، غلامرضا وزان، محمدرضا صفا، امیر میرشکاری و... از کارشناسان فانوس می توان از "دکتر عبدالرسول خیراندیش، دکتر هیبت الله مالکی، دکتر علی ناظمین فر، دکترمجید عابدی، دکتر سید جعفر حمیدی، دکتر عبدالکریم مشایخی، دکترعباس عاشوری نژاد، دکتر محمد هاشمی فرد و دکتر یونس حیدری و اساتیدی چون "عبدالحسین کنین، حسن زنگنه، حیدر عرفان، محمدجواد فخرایی، علی هوشمند ودکتررضا معتمد نام برد در ضمن "خانم مژده غضنفری و آقای کاویانپور" فیلم های روز سینمای ایران را برای شنوندگان فانوس نقد می کردند.
در نخستین سالگرد بدرود حیات چهره ماندگار شعر ایران "شادروان منوچهر آتشی" برنامه فانوس را به یاد آن شاعر بی مانند تهیه کردم که بهترین برنامه ی ادبی رادیو شد.

انتصاب به عنوان مدیر تولید صدا

بعد از بازگشت مجدد آقای منصور لاوری (مدیرکل) بنده به سمت مدیر تولید صدا منصوب شدم. البته چندین بار مدیریت های مختلفی به من پیشنهاد شد که هر بار به بهانه ای نمی پذیرفتم. تمام عشق و علاقه من برنامه سازی و اجرا در رادیو بود، برای همین نمی توانستم مسئولیتی غیر از آن را قبول کنم. به هرحال تکلیف شد و اینبار نتوانستم شانه خالی کنم. در طول مدتی که مدیر تولید رادیو بوشهر بودم رادیو ما بین تمامی مراکز رادیویی کشور از حیث جذب مخاطب رتبه اول تا سوم را داشت. مدیریت در رادیو مبتنی بر کردار و گفتار مومنانه و صادقانه است نه ضوابط خشک و ناقص و پیچیده ی اداری و نه روابط غیر متعارف و احساسی. مدیر تولید دوست بی ریایی تک تک افراد تولید است نه رئیس ایشان، وی باید ازخلق و خو، توانایی، علاقه، تخصص و استعداد همکارانش شناخت داشته و متناسب با آن،به ایشان وظیفه محول کند. آن چه موجب پیشرفت تولید می شود اعتماد و احترام و ارج نهادن به تجربه و باور توانایی ها، با پرهیز از حسادت و جاری بودن رقابتی ملیح توام با رفاقتی عمیق و ریشه دار است. هر کس در رادیو بوشهر پای نهاد و سوگند عشق و دوستی و یکرنگی خورد موفق شد و چنانچه به اعتماد و احترام فرزندان پاک و خوش مرام رادیو پشت کرده و خیانت نمود، سیلی عبرت می خورد و شلاق وجدان، بر پیکرش،حد جاری می کند.

بزرگ ترین افتخار زندگی من

در زمانی که "سید محمد حسین سیدزاده" معاون سیما بودند، در کنار فعالیت های ارزشمندشان دست به ابتکار جالبی زد. ایشان از بینندگان سیما خواست تا بهترین مجری و برنامه را انتخاب کنند. این نظرسنجی دو هفته از طریق برنامه های مختلف سیما ادامه داشت که در نهایت بینندگان سیمای بوشهر یعنی "اهالی سربلند استان" با انتخاب "شاهرخ سروری" با بالاترین میزان رای "بزرگ ترین افتخار زندگی من" را رقم زدند و به حق این انتخاب



بزرگ ترین افتخار من است که تا همیشه خودم وتاهمیشه خدا به آن می بالم.

آنچه در در صدا و سیما آموختم

در تمام دوران کار و فعالیتم در صدا و سیما چون دانش آموزی درس زندگی آموختم.
من آموختم که ملاک برتری ما که دم از مسلمانی می زنیم تقواست، فقط تقوا، نه پُست و مقام و موقعیت و وابستگی به این و آن، آموختم برای ارتقاء پُست دست و پا نزنم و تنها یک چهره داشته باشم، همکارانم را نزد دیگران کوچک و ناتوان نکنم و اگر خود چیزی در چنته دارم رو کنم و به شدت از باند بازی و جناح گرایی بپرهیزم و در همه حال ملزم به رعایت "اخلاق حرفه ای" باشم که گویای هویت و اقتدار صدا و سیما است .آموختم عمر مسوولیت و مدیریت کوتاه است و بالاخره روزی به پایان می رسد و حتی در دورترین نقطه این کره ی خاکی هم که باشیم باز چشم در چشم کسانی خواهیم شد که روزی مدیر ایشان بوده ایم، آموختم افراد تحت مدیریتم را بواسطه انسانیت و کرامت آدمی ارج نهم نه بخاطر هنر و تخصص شان هرچند که هنر و تخصص هم جایگاه خود را دارد اما روح بلند و شرافت و کرامت آدمی در اولویت است. آموختم افراد تحت مدیریتم را برای همیشه بخواهم نه فقط تا هنگامی که کارایی دارند و آثارشان موجب افتخار مرکز می گردد، من آموختم دل به پست و مقام نبندم و به این چند روزه ریاست دل خوش نکنم، چرا که شیطان بعد از شش هزار سال کرسی آسمانیش را از دست داد، کرسی های زمینی چقدر معتبرند؟!

تلاش کردم بهترین باشم

در طی این سی سال در برنامه های مختلف رادیو و تلویزیون ایفای نقش کردم که همه آنها در زمان خود بهترین بوده اند. برنامه ساز به موازات گذر زمان و کسب تجربه روزاروز پخته تر و سلیقه اش به سمت متعالی شدن دگرگون می شود برنامه ساز حرفه ای تابع زمان و رخدادهای مهم روز است و در صورتی موفق می شود که خلا جامعه را بشناسد و نیاز مردم را بفهمد و منطبق با اهداف متعالی سازمان با ساخت برنامه در صدد خدمت شایسته برآید. زمانی خود را بهترین "گزارشگر" می دانستم و جدا برای تهیه گزارش وقت می گذاشتم. هنگامی که "شب شروه" را اجرا کردم تلاش کردم بهترین باشم، در زمان اجرا و تهیه "سلام بوشهر" همین حس را داشتم و سالهایی که "سی مو سی تو" در اوج محبوبیت بود سر از پا نمی شناختم و چون "فانوس" را روشن کردم، زیر نورش "شولای عبدالرحمن" را ساختم و همراه به "یاد رئیس" بود که "کوکویسو" و "خالو نکیسا" و افسانه ی "فایز و پری" استاد ایرج صغیری را به نمایش کشیدم. "نمایش هفته" ای که پر بود از "قصه ها و متل ها" هنگامی که متن "فیلم های مستند" را اجرا می کردم، کارم را دوست داشتم و چون برای "شونشینی" در "طارمه" می نشستم "مد و ماه" در "شب های نخلستان" زیباتر بود و "خاک و خورشید" در "بوشهر ۸ صبح" هم دیدن داشت و من همچنان "عطش" اجرا داشته و دارم.

محدودیت سیاسی در برنامه های صدا و سیما

برخی از دوستان از من می پرسند که چگونه بین ایده های خود با محدودیت های برنامه سازی در صدا و سیما تعادل برقرار می کردم؟ نمی دانم منظورشان از محدودیت چیست؟ اگر منظور از محدودیت، محدوده و حد و مرز است، خب طبیعی است هر کاری محدوده ای دارد و اتفاقا هنر در این است که این حد و مرز را بشناسی. اگر منظورشان محدودیت سیاسی است، که قبول ندارم؛ همه ما که کار رسانه ای می کنیم ملزم به پایبندی به اصول و مقرراتی هستیم؛ در جامعه ما وقتی مقام معظم رهبری که مراد و مرشدمان است به صراحت کاستی ها و کم کاری ها را گوشزد و به مسئولین ارشد تذکر می دهند و در ابتدای



هر سال صراط مستقیم را با بیان ضرورت جامعه برای رفاه بیشتر مردم به مسوولین و دست اندرکاران نشان می دهند، دیگر چه محدودیتی برای رسانه وجود دارد؟! و اگر منظور از محدودیت، استفاده ابزاری از حرمت و شرافت و کرامت انسانی است، که دین و آیین و غیرت ایرانی ما این اجازه را به ما نمی دهد و اتفاقا این محدودیت باعث اطمینان افراد جامعه شده است. امروزه هیچ پدر و مادری از اینکه جوان و نوجوانش برنامه های شبکه های داخلی را می بیند نگران نیست اما ناچار است شبکه های ماهواره ای را رمز دار کند و این واقعیتی است انکار ناپذیر.

درهای صدا و سیما همواره باز بوده

برخی معتقدند که در استودیوهای صدا و سیما بر روی هنرمندان و فرهنگیان باز نیست و از این رو در این فضای بسته امثال سروری می توانند خودی نشان دهند. من که هیچم، هنوز مانده تا کسی بشوم من چه دارم و که هستم که خودی نشان بدهم. واقعا درهای صدا و سیما بر روی هنرمندان و فرهنگیان همواره باز بوده است اما هنرمند کیست و آیا جای هر هنرمندی در صدا و سیماست؟ آیا مدیر یک نشریه بسیار معتبر می تواند یک نوازنده ی چیره دست سنتور را استخدام کند؟ او هم هنرمند است قبول کنیم که برای جذب نیرو همه جهات و ابعاد یک فرد را باید مد نظر قرار داد. با این وجود تعداد هنرمندانی که فقط با دو برنامه رادیویی من همکاری داشتند کم نبودند چه برسد به همه برنامه ها، البته در بین متقاضیان ورود به صدا و سیما ۹۰ درصد به دنبال گویندگی و اجرا هستند و آن را کاری ساده می پندارند و هر کس که هنری در چنته دارد بدش نمی آید تست صدا و تصویری هم بزنند. باور کنید روزانه افراد متعددی به من مراجعه می کردند و یا معرفی



می شدند که باور داشتند می توانند گوینده شوند و البته در همان گفتگوی ابتدایی مشخص می شد که تصورشان از گویندگی اشتباه بوده است. یا بارها دوستان بازیگر تاتر مراجعه می کردند و تمایل داشتند بازیگر نمایش های رادیویی شوند، و وقتی متنی به آنها داده می شد از اجرای آن عاجز بودند، چرا که بازیگری در رادیو با بازیگری در صحنه یا سینما بسیار متفاوت است. با این وجود و تا آنجایی که من می دانم همیشه صدا و سیما از همکاری هنرمندان و فرهنگیان استقبال کرده ، البته جذب همه نیروها بر اساس تخصص و توانایی نبوده و در اینجا هم گاهی رابطه ها و البته رودربایستی و ملاحظات بی مورد منجر به جذب افرادی شده که صدا و سیما جای ایشان نیست و چنانچه از خدمات ایشان در جای مناسب دیگری استفاده شود، مفیدتر خواهند بود.

صداهائی که ماندند

طی این سال ها با افراد مختلفی مصاحبه کردم که همه ارزشمند و مهم بودند و برایم به یادماندنی از جمله گفتگو با کسانی که الان در قید حیات نیستند از جمله: "مادر مرحوم جهان بخش کردی زاده(بخشو)"، "استا دشادروان علیمراد فراشبندی" نویسنده، پژوهشگر و تاریخ نگار، "استاد زنده یاد منوچهر آتشی"، "استاد فقید محمد رضا نعمتی زاده"، "جناب فقید سعید آقای بلادی" ایشان مدیر مدرسه سعادت بوشهر بودند درزمان گفتگو ۹۰ سال سن داشت و ساکن در مشهد مقدس بودند که دقیقا بعد از این گفتگو بدرود حیات گفتند. "مرحوم حاج محمود نامور" نوه ی سرادر جنوب رئیس علی دلواری، "شادروان حاج رضا اکبری" کدخدای روستای زیراه و پسرش "زنده یاد بهرام اکبری"، استاد ادبیات "مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن نبوی" نماینده سه دوره مردم در مجلس شورای اسلامی و رئیس بوشهرشناسی، "شادروان حاجی محمد هاشم هاشمزاده" کدخدا و بزرگ تنگ ارم، "مرحوم حجت الاسلام حاج سید ابوالحسن موسوی" بزرگ تنگ زرد، "شادروان حاج فتح الله مصدق"، کدخدای تنگ فاریاب، "زنده یاد امان الله نیکنام" چهره مردمی و نام آور دشتستان بزرگ، "مرحوم بانو خاتون آبادی" هنوز نوار صدای سحرآمیز لالایی این بانو را دارم، "شادروان بانو امینی"، "زنده یاد امرالله خرد"، "شادروان محمد ماحوزی"، "مرحوم محمد فردوس شروه خوان، "شادروان حیدر دوراهکی" فرماندار مردمی دیر، "شادروان بانو مشهدی مدینه عسکرپور"، "شادروان بانو آفرین امیری"، "زنده یاد علی دشتی نجار" نوحه خوان بزرگ بوشهر، "مرحوم باقر آرامی" ذاکر اهل بیت، "مرحوم احمد زیارتی" مدیر کل تعاون، "زنده یاد حمید لطفی"، بازیگر تاتر و رادیو، "مرحوم رمضان امیری"، پیشکسوت تئاتر بوشهر، "شادروان خلیل عمرانی" شاعر بزرگ، "مرحوم حاج سیدعلی هاشمی" بزرگ روستای عالی چنگی، "زنده یاد ناصرخان شبانکاره" از خوانین دشتستان مقیم شیراز، "مرحوم عبدالحسین خرمایی" نوحه ساز و نوحه خوان نامی بوشهر، "شادروان حسین کازرونی" دو و میدانی کار معروف برازجان و قهرمان پرتاب وزنه کشور.

من همچنان هستم نقطه سر خط ...

نمی خواهم جمله ی کلیشه ای " تمام دوران خدمتم خاطره است" را بگوییم اما حقیقت داستان همین است من فرد خوشبختی هستم همسر بغایت فداکار و ازخود گذشته ام بانو "سیده مرضیه موسوی" تمام عمرش را بپای من نهاد و در راه رفاه و آرامش و آسایش من از سلامتی خود هم گذشت. "علی و پروین" هم تمام تار و پود من اند، نور چشمانم و تپش قلبم در واپسین روز خدمتم در صدا و سیما، دوستان بهتر از جان و عزیزان دلم، سنگ تمام نهادند. من خود سال های سال مراسم مختلف تودیع و معارفه و بازنشستگی اکثر مدیران استان را اجرا کردم، اما هیچ کدام مانند مراسم "روز بازنشستگی" خودم نبود. عشق و احساسی که آنجا جاری بود، همگان را متعجب و متاثر ساخت. عواطف ناب و خلوص نیت عزیزانم به قدری بود که تا اوج آسمان پرواز کردم. به خود می بالم که این چنین دوستم دارند و دوست شان دارم. با غرور اعلام می کنم با موفقیت و سربلندی دوران خدمتم را سپری کردم. این مهم را در کلام بی ریا و احساس سرشار از صداقت همکارانم یافتم و از این بابت خدای را شاکرم. من تا همیشه خودم و تا همیشه خدا آن روز آسمانی را بیاد خواهم داشت روزی که در تاریخ صدا و سیما مرکز بوشهر بی مانند بود و برای هیچ مدیری این گونه اتفاق نیفتاد. در تمام دوران برنامه سازی و مدیریتم در رادیو بوشهر با وجود سختگیری های گاه توام با عصبانیت و ایرادگیری های ریز و پی در پی به جز "چشم آقا" هیچ نشنیدم و خوشحالم که همکارانم دلیل آن سخت گیری های و چهره درهم کشیدن ها را درک کردند حالا با تمام وجود و با خلوص نیت عرض می کنم من همچنان هستم نقطه سر خط ...

اقتصاد واقعی یا واقعیت اقتصادی

عیسی صفوی
دانشجوی دکتری سلامت اجتماعی

ایران ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد. علم اقتصاد می گوید باید بین ۳۵ تا ۴۰ میلیون شغل در کشور برای این تعداد جمعیت وجود داشته باشد. طبق آمار رسمی تنها ۲۵ میلیون شغل در کشور مهیا است یعنی ۱۵ میلیون نفر در کشور بیکارند. بسیاری از کارهایی که در ایران شغل محسوب می شود با شغل هایی که به عنوان مثال در کشور ژاپن وجود دارد متفاوت است. در این کشورها بسیاری از شغل های خدماتی به دلیل سود پایین وجود ندارد و مشاغل تولیدی حرف اول را می زنند. در صورتیکه کشوری مانند ایران تمایل به سمت شغل های خدماتی بیشتر است زیرا سود و درآمد حاصل از آن بسیار بیشتر از تولید است.
ایران ۴ میلیون مغازه دار دارد که حدود ۳و نیم میلیون آن نسبت به معیارهای بین المللی اضافه محسوب می شود. همچین براساس معیارهای اقتصادی با هر ده هزار دلاری که در کشور هزینه می شود باید یک شغل پایدار و تولیدی ایجاد شود اما از زمان آقای هاشمی رفسنجانی تا امروز نزدیک به ۱۲۰۰ میلیارد دلار خرج شده که بر اساس این معیار باید ۱۲۰ میلیون شغل ایجاد شده باشد در صورتی که تعداد شغل قبل و بعد از انقلاب تنها ۲۳ میلیون نفر بوده است. با سرمایه ها در این دوران ها به گونه ای برخورد شده که به تولید منجر نشده است. اصل ۴۳ قانون اساسی می گوید هر ایرانی باید یک شغل داشته باشد و با همان یک شغل بتواند زندگی کند.
هدفمندی یارانه ها جزء سیاست های بانک جهانی صندوق بین المللی پول است که به تمام کشورهای در حال توسعه توصیه شده است. سیاستی که قرار است با این هدف اجرایی شود این است که به گونه ای یارانه به یک کشور داده شود که قیمت ها کم کم بالا رود و تولیدات خارجی که مربوط به کشورهای صنعتی است بهتر بتوانند در کشورهای در حال توسعه ورود پیدا کنند. در ایران مزد حقوقی که به کارگر و کارمند می دهند متناسب با تورم نیست و هرچه زمان می گذرد فاصله میان در آمد یک کارمند یا کارگر با مزدی که دریافت می کند بیشتر می شود. دولت ها برای اینکه افراد را ساکت کنند یارانه می دهند که اگر تورم نباشد شاید جبران کمبودهای زندگی شود اما در غیر این صورت دوباره باید یارانه را افزایش دهد که این ضرر برزگ اقتصادی است که به یک کشور می تواند وارد شود.
قبل از اجرای فاز اول هدفمندی قیمت دلار ثابت بود اما حالا تغییر کرده آنهم در شرایطی که ما مورد تهاجم غرب قرار گرفته ایم. از لحاظ اقتصادی مرحله اول هدفمندی رضایتبخش نبوده، سیاست های تعدیل اقتصادی را که سیاستهای اقتصادی آمریکایی است را اجرا کرده ایم. ۱۲۰۰میلیارد هم خرج شده اما مشکل تولید حل نشده است و متاسفانه باز هم در فکر مرحله دوم هدفمندی است. اقتصاد هر کشور جانش به تولیدکننده بسته است نه به دلال و واسطه ها.
مردم ما مردم صبوری هستند. مردم ایران به طور تاریخی حس ناخودآگاهی دارند که خطر را خوب تشخیص می دهند. متاسفانه بانک ها نیز در شرایط فعلی نقش واسطه ها را ایفا می کنند و به جای واسطه ها، سودپرستانه به حالت انهدامی در اقتصاد کشور عمل می کنند. اقتصاد ایران به مرحله بحران نرسیده است و فقط بیمار است. سیاست های دولت ها، بعد از جنگ، یعنی همان سیاست های تعدیل اقتصادی آن بسیار ناکارآمد بوده و انگار دولتی ها یادشان رفته قانون اساسی چه می گوید و نظر امام راحل و آرمان های انقلاب راجع به اقتصاد چه بوده است؟

اهدای خون و مشوق من

به یاد شهید"محمد علی مواجی"

مهدی جهانبخشان



درروزنامه خواندم که سازمان انتقال خون گلایه کرده که ذخیره خون مان به شدت پایین آمده است و مراجعین و در خواست کنندگان خون از سازمان ناامید بیرون می روند.
البته هجوم مردم برای اهدای خون به زلزله زدگان منطقه کاکی قابل تحسین است و فراموش نشدنی و شاید بتوان گفت در حد حماسه است. چه خوب است این احساس مسیولیت در ما ریشه بدواند که خون مان را اهدا کنیم تا ذخیره سازمان شود و هیچگاه دچارکمبود نشود.
می خواهم برایتان خاطره ای را تعریف کنم: سال ۱۳۵۹که کشورمان درگیر جنگ عراق و امریکا علیه ایران بود، روزی در میدان شهر ایستاده بودم که "محمد علی مواجی" از آن طرف خیابان پیدایش شد و گفت: بیا برویم به سازمان انتقال خون و خون اهدا کنیم تا در جبهه ها مورد استفاده قرار بگیرد.
با هم سوار اتومبیلی شدیم که ما را به سمت سازمان انتقال خون برد. در راه "محمد علی مواجی "که به لحاظ جسمانی از من متناسب تر بود به شوخی مرا دست انداخت که تو با این قیافه لاغرت نیازی نیست بیایی، چون خونی در بدنت وجود ندارد. وقتی که به سازمان انتقال خون رسیدیم، پزشک سازمان که یک پاکستانی بود هر دوی ما را معاینه کرد و رو به من کرد و گفت: تو برای خون دادن مناسب هستی اما این آقا یعنی "محمد علی مواجی" قادر به خون دادن نیست. آنجا بود که من او را دست انداختم.
در این سالهای بعد از شهادت محمد علی مواجی، چهار بار خون ام را در طی سال به یاد شهید "محمد علی مواجی" اهدا می کنم که مجموعا ۳۳ سال می شود.
البته باز هم علی از من جلوتر رفت زیرا او همه خون اش را باضافه جان اش را تقدیم به ملت و مردم اش کرد ومن سالهاست که از او عقب مانده ام.

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

مهدی عبداله زاده

سکوت ویرانه و دنیائی آرام
حالا که رفته ای
به تکرار افتاده ام
هنوز دلشوره ی آخرین غروب گردن می کشد
و شقایق های دامنت در هر قدم شعله ور می شوند!
نگاهمان خیره درهم است
دیگر... هیچ
زمین می لرزد و باز تو می روی
نه از بوته ای خار چشم می پوشم
نه از پرنده ای
بگذار بودنت جزئی از آنچه هست باشد

***

عباس عادل زاده

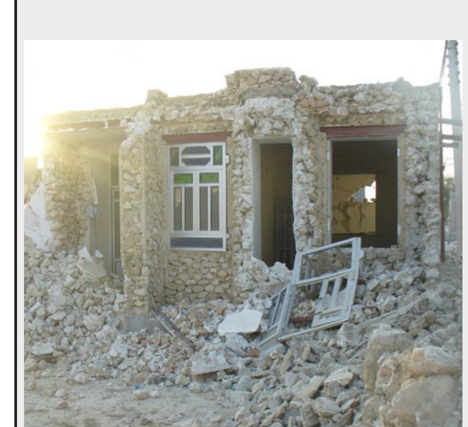
نمی توانم خوب فکر کنم
همه ی تاب و توانم
از یک درخت پیر
حلق آویز شده است
و پیاپی سنگینی یک چیز
مثل شب که فرا می رسد
دیوار به دیوار
از میان لرزه های اتاق
ظفرمندانه کودک را در آغوش می کشد
سقف ها
مأیوسانه
آگاهی این را دارند که با کمتر از این درد
جمجمه تاب زندگی بیشتر را نخواهد داشت
صبح زود
در میان حیرت همگان
شیپور مرگ نواخته می شود
و اجساد کودکان
از زیر آوار
بیرون کشیده می شود

***

ابوالقاسم محمدی باغملایی

برق از سر تیر برق هایت
پریده بود و
پرنده ای نه، پَر
که پرواز
آوارهای فرو ریخته
سایه های بی دیوار
خستگی سال های سایه ساری را می مکیدند
و جشن هر غروب گنجشک ها
در حجم سبز برگ های کُنار و نخل های بی حصار
بوی ماتمی جانکاه
و کبوتران چاهی
در غبار وحشت آوارهایت
راه گم کرده و به چاه و لانه خود

چه زود از تب و تا و لرزه
سر بر تل خاک سرد
چه رقص یقه درانی دارند
این شُنبه ای ها
در عزای عمومی است
شهر خوابیده بر سنگ و خشت و خاک خود



صدها دوشنبه
با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب
بعدازظهر دوشنبه هر هفته در دفتر نسیم جنوب



۳۳سال پس از سهراب سپهری
نوشداروی شعر سهراب

"آب را گل نکنیم" / "هوا بس ناجوانمردانه سرد است"؛این دو جمله در ادبیات ایران از جایگاهی فرارتر از حد معمول و متعارف برخوردارند.هر دو پاره هایی از اشعار دو شاعر سرشناس ایرانی می باشند؛ سهراب سپهری و مهدی اخوان ثالث.

در کنار یکدیگر قرار دادن این دو "جمله"،از این جهت است که نشان دهیم دو عبارت از دو شاعر کاملا متفاوت در ادبیات فارسی چگونه می تواند در اذهان عام و خاص ماندگار شود.

دنیای اندیشه و شعر سهراب سپهری با اخوان ثالث تفاوتهای بسیار داشت و به تعبیری هیچکدام دیگری را در عالم شعر به رسمیت نمی شناختند، آن گونه که دیگر شاعر نام آشنای ایرانی احمد شاملو می گفت: «یا من و یا سهراب سپهری، یکی از مرحله پرتیم»!

در عالم هنر بسیاری از آثار با این اتهام مواجه و از میدان بدر می شوند که "حرف زمان و از جنس زمانه"نیستند. اشعار سهراب سپهری نیز سالها با چنین اتهامی از میدان بدر شد و نام شاعر نیز بر همین روشنفکران ایرانی از دهه ۳۰ تا ۶۰ سهراب و آثاراش در شمار نمی آوردند و او را وصله ی ناجور زمانه می دانستند.اما پس از سه الی چهار دهه سهراب سپهری به یکی از "مهمترین شاعران فارسی زبان"بدل شد!و جریان کپی برداری از سهراب آغاز بکار کرد.چراکه بسیاری،همچون سهراب شعر سرودن را امری بر مدار سهولت می پنداشتند.

اما ناکامی این جریان کپی برداری نشان داد که آثار سهراب همان حکایت سهل و ممتنع در هنر است.

سپهری در نیمه دوم دهه ۳۰ که شعر ایران بر قله های رفیع سیاست و ایدئولوژی نشسته بود، از بودا و اندیشه وحدت آسیا و روح لطیف گلها سخن می گفت. سالها بعد نیز زمانی که اندیشه شاعر از "آب را گل نکنیم" حکایت می کرد، حملات به او شدت گرفت که "در پای همین آب کسی را گردن می زنند"!

و سپهری شاعر زمان و هنرمند زمانه خویش نبود.اما آیا هنرمند زمانه خویش بودن از الزامات هنرمندی و از شروط نفس زدن در هوای اندیشه ورزی است؟ و از آن مهم تر آیا محک "هنرمند زمانه خویش بودن" تنها مطرح شدن در زمان مشخصی است؟

در دهه ۳۰ و ۴۰ شعر ایران با شاعرانی مواجه بود که آثارشان سرشار از مفاهیم (!) مورد توجه در آن روزگار بود. از جمله "خون و خنجر و گلوله و آتش و ..."، اما با گذشت کمتر از یک دهه بسیاری از ایشان در فراموشی از حافظه ی ادبیات و روزگار از یکدیگر سبقت گرفتند و امروزه تنها نامی به اشاره از آنها در کتابهای "مرور تاریخ شعر ایران" جهت پر کردن لیست شاعران، بجا مانده است و بس.

سهراب سپهری در میان شاعران ایرانی دارای مشخصه ای است که پرداختن به آن به مثابه مقیاسی بارز از چگونگی مرزبندی شاعران "متعهد" و "غیرمتعهد" از اهمیت فراوانی برخوردار است.

همان سهراب که در بیش از ۳ دهه از فعالیت هنری خود، در دنیای شعر مورد بی مهری و بی توجهی بسیار قرار گرفته بود، به یکباره از چندان تقدس و اعتباری برخوردار شد که تصاویر و اشعار او بر دیوارهای محافل هنری به عنوان نمادی از اعتبار و افتخار جای گرفت. اما همین تقدس افراطی نیز از جانب گروهی دیگر از جمله روشنفکران رادیکال، تحت عنوان "نماد عوام زدگی" مورد طعن و طرد قرار گرفت. سهراب سپهری در این میانه اما در حسرت "شناخته شدن و خوانده شدن "بود.

در ویژه نامه ای که چندین سال پیش از این، یکی از مجلات روشنفکری درباره سهراب سپهری منتشر کرد، یکی از نویسندگان (عباس میلانی) سهراب را رمانتیک ترین شاعر ایرانی نامیده بود در حالی که در چند صفحه بعد یکی از شاعران (شمس لنگرودی) او را غیررمانتک ترین شاعر!

این تحلیلها و تاویلهای متفاوت از سهراب سپهری بیش از آن که با توجه و در ذیل خوانش و نگرش به آثار او صورت پذیرد، سخت تحت تاثیر فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون او شکل گرفت.

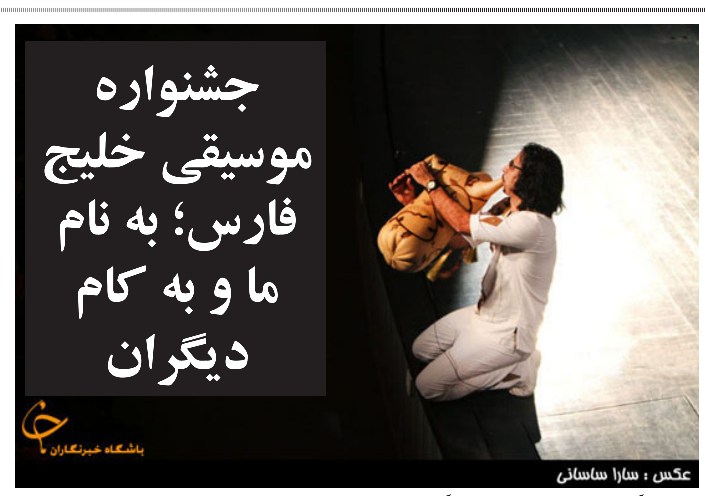
رمانتیسیسم اشعار سپهری را آیا در میان سروده ها او می بایست جست و یا در مقایسه "ظاهر کلام او" با زبان شعری غالب شاعران هم روزگار او؟

سپهری زمانی که می سرود:"جای مردان سیاست بنشانید درخت/ تا "هوا تازه" شود" مورد طعن شاعر "هوای تازه" و شاعر "هوا بس ناجوانمردانه سرد است" قرار داشت که نسبت به آن چه در جامعه می گذرد بی توجهی پیشه کرده است.

اما داستان این بود که تمامیت خواهی هنرمندان ایرانی که از قضا منادیان برقراری دموکراسی بودند، اجازه نمی داد که تکثرگرایی در حوزه اندیشه تا این حد به رسمیت شناخته شود که برای رسیدن به "هوای تازه" هرکس مسیری را انتخاب و تجربه و پیشنهاد نماید.

درد و دامنه این حکایت فراوان تر از این مقال و مجال است. اما کوتاه سخن در این رهگذر این که؛ سهراب سپهری در اشعار خویش روایتگر تجربیات درونی خویش بود. تجربیاتی که از فیلتر "شاعرانگی" او عبور کرده بود. روایت این تجربیات در قالب اثر هنری معنای روشنی از "هنرمندی" را روایت می کند و سپهری از این منظر هنرمندی تمام بود. تارکوفسکی در جایی گفته بود؛ «هنرمند به جای همه کسانی حرف می زند که خود قادر به سخن گفتن نیستند». بنابراین تعریف سپهری در اشعار خود از جانب همه "چیزهایی" سخن می گفت که خود قادر به سخن گفتن نبودند. سنگ و گل و رود و دشت و رنگ و آسمان و حیوان و علف و... در اشعار او به شیواترین بیان سخن می گویند.

و این کجا و حکایت شاعران "متعهد" کجا؟ که تنها و تنها "از جانب همه کسانی حرف می زنند که به واسطه در اختیار داشتن "تریبون سیاسی"،تنها توانایی سخن گفتن دارند و بس! منبع: سایت دبستان



جشنواره موسیقی خلیج فارس؛ به نام ما و به کام دیگران

عکس : سارا ساسانی

جشنواره موسیقی خلیج‌فارس فقط یک عنوان بود؛ عنوانی که استان‌های ساحلی چون بوشهر و هرمزگان با موسیقی ویژه و شنیدنی خود نتوانستند از آن بهره ببرند.

به گزارش برنا؛ موضوع اصلی جشنواره خلیج‌فارس، حماسی‌خوانی بود که فراموش شد و کمبود بودجه، کلیت جشنواره را زیر سوا برد. جشنواره موسیقی خلیج‌فارس با حضور پانزده گروه موسیقی ۱۰ گروه در بخش رقابتی و ۵ گروه در بخش جنبی- برگزار شد که «دلنواز، مهروا، پاسارگاد و اهورا» از کرمان و «نوای سمیره» کوهدشت لرستان، شرکت‌کنندگان در بخش جنبی بودند.گرچه انتظار می‌رفت جشنواره خلیج فارس به موسیقی استان‌هایی چون هرمزگان و بوشهر، بخش‌هایی از خوزستان و سیستان و بلوچستان بپردازد؛ یکی از اهداف برگزاری جشنواره، حمایت از موسیقی محلی و معرفی آن بود و موسیقی این مناطق، از جذاب‌ترین و پرمخاطب‌ترین انواع موسیقی بومی ایران است؛ بگدریم از این‌که گروه‌های شرکت‌کننده، گروه‌های موسیقی سنتی بودند و نه محلی و به موضوع اصلی جشنواره که حماسی‌خوانی بود، پرداخته نشد. محسن شریفیان، سرپرست گروه موسیقی لیان است. گروهی که در تمام این سال‌ها کوشیده موسیقی بوشهر را نه تنها به هموطنان خود که به مردم علاقه‌مند در دیگر کشورها نیز معرفی کند؛ به گفته او جشنواره باید هدفمند باشد و از موازی‌کاری بپرهیزد. درست است که چند دوره جشنواره موسیقی نواحی در کرمان برگزار شده اما نام جشنواره خلیج فارس، برگرفته از یک محیط جغرافیای خاص است و بهتر و منطقی‌تر آن که در محیط خودش برگزار شود.

او با اشاره به مشکل همیشگی کمبود بودجه می‌گوید: در بخش جنبی جشنواره خلیج فارس، ۵ گروه کرمانی شرکت کردند چرا که مشکل همیشگی برگزارکنندگان، کمبود بودجه و هزینه اقامت و رفت و آمد است بهتر نبود چنین جشنواره‌ای در یکی از استان‌های حاشیه خلیج‌فارس برگزار می‌شد؟ اصلاً چرا جشنواره را به زجرواره‌ای برای هنرمندان تبدیل می‌کنند؟ وجود این همه جشنواره موازی بهتر است یا برگزاری دو جشنواره آبرومند؟! سیاورشن بندرعباسی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر موسیقی هرمزگان است. او هم براین باور است که اگرچه جشنواره موسیقی نواحی در کرمان برگزار می‌شود اما بهتر بود، جشنواره‌ای که نام خود را وامدار خلیج فارس است در استان‌های ساحلی برگزار شود.

خواننده ی " آرمانی "

ابراهیم مهدی زاده



از آن جا که زمان خواندن متن مدرن و پست مدرن، پیش فرض ما این است که این گونه متون چند صدائی و امکان قرائت گوناگون فراهم و راوی مقتدر و فربه غایب و جهان داستان هم، الزاما فاقد اندیشه ی خیر و شری یا صفر و یک است و متن نیز دارای خلاء و خالی از "استبداد محتوا " هست ، انتظار دیگر نیز ، آن خواهد بود که با خواننده ی عادی و فهم متعارف در چالش وگفتمان نباشیم. پس می ماند یک سوال و آن این است که ، آن خواننده کیست ؟ منتقدین غربی او را خواننده " آرمانی " می نامند . بعضی از دوستان شاعر هموطن او را خواننده "فرهیخته " یا " اقلیت " تعبیر کرده اند.

در متن رئالیسم یک راوی – نویسنده ی کنترل کننده ، متن را مدیریت می کند و در این روایت یک حقیقت بیشتر وجود ندارد. آنچه نویسنده – راوی می نویسد از صافی ذهن و زبان وچشم راوی است و خواننده باید بپذیرد و جائی برای حدس و گمان و تخیل و تفکر از سیر وقایع ، وجود ندارد . در پایان ، امکان انفعال خواننده و عدم ارتقاء تخیل اوبه قطع و یقین هست . دستآورد این گونه متون اطلاعاتی است که راوی همه چیزدان به خواننده می دهد و درنتیجه امکان تفکرو اندیشه از خواننده گرفته و سلب می شود . اما خواننده ی " آرمانی " ضمن آگاهی از حقوق خود ، مبنی بر حضور جدی اش در مشارکت در ساخت معنای متن ، در صورت مشاهده خلاف آن قطعا متن را رها ودیگر آن را ادامه نخواهد داد . در داستان های مدرن ، نویسندگان ضمن دعوت و مشارکت از خواننده ی " آرمانی " ، موضوعی را مطرح و پاسخ آن را از خواننده طلب می کنند . این دریافت پاسخ ، کلیدی ترین نکته است که خواننده با متن در گیر می کند و متن جهت گیری اش را به سمت مدرن بودن سوق می دهد . در حقیقت به شعور خواننده احترام می گذارد و از او می خواهد که در لذت پایان متن ، او را یاری دهد و به عبارت دیگر به خواننده می گوید من از تو بیشتر نمی دانم و بیا با هم متن را پیش ببریم .

کد گذاری های نویسنده برای متن خواننده ی " فرهیخته " معمولا جدید و از ساخت آشنا پرهیز می کند . در قرائت متن مدرن ، خواننده "آرمانی " در معنای متغیر متن ، حضور دارد و سعی می کند که معنای متن را بسازد . از آنجا که ، معنا در متن ثابت و پایدار نیست ، خواننده ، معنای متن را طی یک فرآیند طولانی ، با تکیه بردانش و تجربه ی خود ، به تعویق می اندازد . با تاخیر در معنا و سپید خوانی در متن ، درگیر می شود و ذهن و تجربه و تخیل او ، در تکمیل معنا به جستجو می نشیند و تا حصول نهائی تلاش می کند و چون به قطعیت نهائی نمی رسد به باز خوانی و تامل فراخوانده می شود و این دوباره خوانی به جائی می رسد که متن را "باز" می بیند و این "باز " دیدن شاید اورا قانع کند که متن همین است و او هرگز به معنای واحد نخواهد رسید . چون وظیفه متن مدرن و پست مدرن حمایت از باز بودن متن و تنوع در معنا و تفاوت هاست نه سرکوب آن و مهم دیگر عدم اشاعه ی یکسان سازی است .

در حقیقت ، نویسنده ، متن و خواننده ، هر سه به رسالت خود یعنی یک نظریه اجماعی می رسند و آن این است که متن هیچ گاه به قطعیت و معنای واحد نخواهد رسید و معنا ، مدام در حال تعویق ، تاخیر و درنگ و ناپایدار است . این وضعیت ، در حقیقت پاسخی است که نویسنده ی متن مدرن و پست مدرن از خواننده " آرمانی " طلب می کند و متن مدرن نیز کارکرد خود را با قضاوت نهائی که همان عدم قطعیت است با خواننده ی " آرمانی " در میان و تائید او را طلب می کند . به عبارت دیگر ، متنی مدرن و پست مدرن است که در قرائت خواننده ی " آرمانی " به تعدد معنا و در نتیجه به عدم قطعیت و انفصال یکسان سازی و عبور از ساخت آشنا و خلق تخیل نو و کارکرد دیگر در معنای واژگان و ساختارشکن در نحوغالب و معیار باشد .

انتظار حمایت پارس جنوبی از چاپ دانشنامه استان بوشهر

سیدحسین سیدزاده در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در بوشهر با اشاره به ارزش دانشنامه استان بوشهر اظهار داشت: از دستگاه‌های مختلف اجرایی در استان به ویژه سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی انتظار داریم برای اجرای برنامه‌های فرهنگی از دانشنامه استان بوشهر هم استفاده کنند. وی افزود: موضوعات مورد اشاره در دانشنامه استان بوشهر شامل معرفی علما و دانشمندان و تاریخ و جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، هنر و ... استان بوشهر است. رئیس حوزه هنری بوشهر تصریح کرد: در کتاب دانشنامه استان بوشهر موضوعاتی همچون هجوم استعمارگران به استان، مبارزات مردم جنوب، فرهنگ و ادبیات به چشم می‌خورد.

سیدزاده اضافه کرد: تاکنون کتاب‌هایی در مورد مجتهد اهرمی، اکولوژی خلیج فارس، جغرافیای استان بوشهر از سری کتاب‌های دانشنامه استان بوشهر به چاپ رسیده است.

سیدزاده خاطرنشان کرد: در حال حاضر ۵ جلد دانشنامه زیر چاپ است و در صورت حمایت مسئولان فرهنگ استان، چاپ این دانشنامه سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت.

وی گفت: انتظاری که از نهادهای فرهنگی داریم، این است که با خرید این آثار باعث تداوم بخش تولید بیشتر این آثار فرهنگی در استان بوشهر باشند.

وی بیان کرد: مردم بوشهر مردمان قدرشناسی هستند و من و همکاران تا پایان این کار ادامه می‌دهیم و امیدوارم همه با هم این مجموعه را به انتها برسانیم.

نمایش گنجینه خلیج فارس برای کمک به زلزله زدگان



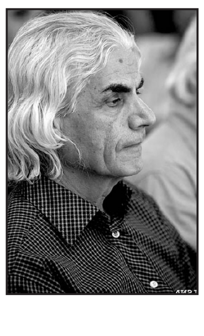
اسماعیل جاشویی : گنجینه خلیج فارس عنوان نمایشگاه عکس هنرمند جوان رزاق عبیدی است که از ۱۰ الی ۱۳ اردیبهشت در گالری سوره حوزه هنری بوشهر برگزار می شود. عکس های این نمایشگاه گنج بزرگ ما بوشهری ها را به نمایش می گذارد. گنجی که با وجود ارزش های منحصربفرد فرهنگی- تاریخی از دید ما پنهان مانده است. هر روز از کنار آن عبور می کنیم ولی فقط ظاهر فرسوده و تخریب شده اش را می بینیم. این گنج فرسوده و تخریب شده به ویرانه ای تبدیل شده و ما برای نابود شدن به حال خود رهایش کرده ایم. بافت تاریخی بوشهر بدون اغراق گنجینه بزرگی است که نه تنها برای ما بوشهری ها بلکه همچون هر اثر تاریخی دیگر برای تمام جهانیان ارزشمند است.

رزاق عبیدی در اقدامی ارزشمند عکس ها را به نفع زلزله زدگان دشتی به فروش گذاشته است. بافت تاریخی بوشهر نیز همچون یک شهر زلزله زده است که ویرانه ای از آن باقی مانده است. زلزله فاجعه ای است که در چند ثانیه رخ می دهد و به دلیل تخریب ناگهانی مورد توجه قرار می گیرد و هرکس در حد توان خود به کمک آسیب دیدگان می شتابد. متأسفانه زلزله در بافت تاریخی بوشهر مستمر و در طی ده ها سال رخ داده و همچنان هم ادامه دارد. این تخریب ویرانگر بدلیل اینکه در مدت زمان طولانی بوجود آمده از نگاه ها پنهان مانده است. بافت قدیم بوشهر همچون هر شهر زلزله زده ای نیازمند کمک همه ما است. همه ما می بایست به شهر زلزله زده خود کمک کنیم.

نمایشگاه گنجینه خلیج فارس به کمک آسیب دیدگان دو زلزله آمده است.

عکس های او از بافت قدیم بوشهر ضمن فرهنگ سازی و آشنا نمودن ما با این گنج بزرگ تاریخی به کمک این بافت زلزله زده آمده است و از سوی دیگر با اختصاص عواید فروش این عکس ها به کمک آسیب دیدگان زلزله دشتی رفته است.

دنیای اشتباه باباچاهی



مجموعه شعر تازه‌ای از علی باباچاهی با نام «دنیا اشتباه می‌کند» منتشر شد.

به گزارش بیست؛ این شاعر گفت: شعرهای این مجموعه سروده‌های من در بخشی از سال ۱۳۸۹ تا مقطعی از سال ۱۳۹۰ هستند. او درباره فرم شعرهای این کتاب عنوان کرد: از شعرهای کتاب «از نم‌نم بارانم» تا این لحظه در کتاب «دنیا اشتباه می‌کند» حداقل هشت – نه دفتر شعر داشته‌ام که مراحل مختلفی را از سر گذرانده‌اند. طبیعتا در شیوه نوشتاری هر شاعر وجوه مشترکی وجود دارد، همچنین یک وجه غالب و متفاوت نسبت به آثار قبلی دیده می‌شود. باباچاهی اضافه کرد: وجه غالب کتاب «دنیا اشتباه می‌کند» این است که ضمن نادیده نگرفتن تجربه کتاب‌های قبلی، اگر اغراق‌آمیز نباشد، گویی از کنار نوعی قدسی و ملکوتی بودن کلام می‌گذرد و این به لحاظ طنینی است که یادآور متون مقدس می‌شود.

او همچنین اظهار کرد: بینامتنیت نیز یکی از مؤلفه‌های شعرهای «دنیا اشتباه می‌کند» است؛ با این بیان ساده که انگار آدم در خیابان‌های امروز راه می‌رود و ناگهان به یاد ساختمان‌های عصر هخامنشی می‌افتد، یا از دیدن ستونی یاد ستون‌های باستانی یونان در خاطرش زنده می‌شود و یا بیان یک گفتمان امروزی یک گفتمان کلاسیک را برای او تداعی می‌کند؛ گویی نوعی رابطه و رفاقت با سنت‌ها و فرهنگ قدیم دارد.

باباچاهی در ادامه گفت: زبان این اثر قدرت‌هایی را که در متون کلاسیک فخرنمایی می‌کنند، به طنز می‌گیرد و گاهی با لحن ادبیات کهن مثلا نثر فارسی شوخی‌هایی می‌کند و در عین حال زمان حال را به زمان گذشته ارجاع می‌دهد. او افزود: افزون بر این، در جاهایی از تصنیف‌های بازاری فرهنگ عامه امروزی هم استفاده می‌کند و به این وسیله هم وخامت و بالافروشی احتمالی زبان را به شوخی می‌گیرد و هم سعی می‌کند فضا را از عبوس بودن و جدی بودن زیادی دربیاورد.

«دنیا اشتباه می‌کند» با ۲۱۶ صفحه، شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۹۰۰۰ تومان از سوی زاوش منتشر شده است.

سالهای سال با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



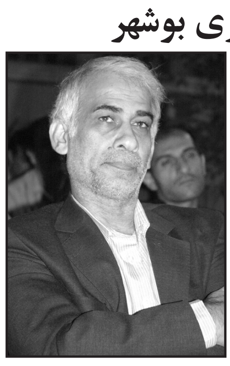
در سال ۹۲ مطابق با سایر سالها، جلسات دوشنبه های ادبی نسیم جنوب با حضور جمعی از شاعران به صورت هفتگی برگزارشد .در این جلسه ، ابتدا توسط مینا درعلی مقاله ای در خصوص آشنا زدایی در شعر قرائت و سایر اعضا در خصوص نقطه نظرات مطرح شده در مقاله صحبت هایی کرد. در ادامه ی جلسه زهرا رضایی با توجه به سالروز سعدی شاعر بزرگ ، زندگینامه و حکایاتی از وی را خواند . در بخش پایانی نیز شاعران حاضر در جلسه شعرهای خود را خواندند و جلسه با برنامه ریزی برای ادامه سال به پایان رسید.

شاعرانی که شعر خواندند عبارت بودند از: محمد حسن آرش نیا ، زهرا رضایی ، مینا درعلی، علیرضا آبروشن ،



فاطمه بردخونی ، ابوالقاسم محمدی باغملایی ، فرح راورد شیری و سمیه تمیمی.

رئیس حوزه هنری بوشهر خبر داد
ساخت ۲ فیلم کوتاه جدید در حوزه هنری بوشهر



رئیس حوزه هنری بوشهر از ساخت دو فیلم کوتاه جدید در حوزه هنری بوشهر خبر داد. سید حسین سیدزاده در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در بوشهر اظهار داشت: حوزه هنری بوشهر با وجود هنرمندانی جوان و با تجربه در عرصه ساخت فیلم کوتاه نیز سوابق درخشانی داشته و در مسابقات ملی جوایزی ارزنده‌ای هم کسب کرده است.

وی گفت: اخیرا هم با حضور هنرمندان جوان این حوزه، دو فیلم کوتاه داستانی ساخته خواهد شد.

رئیس حوزه هنری بوشهر تصریح کرد: فیلم کوتاه داستانی «هلهله جنگ» به کارگردانی و نویسندگی صادق رسولی مرحله پیش تولید آن آغاز شد. وی بیان کرد: این فیلم ۱۰ دقیقه‌ای در مورد دو سرباز مرزی است که اتفاقاتی برایشان می‌افتد، انتخاب بازیگر و عوامل این فیلم تا پایان این هفته به اتمام می‌رسد و از نیمه اردیبهشت تصویربرداری آن آغاز خواهد شد. رئیس حوزه هنری بوشهر تاکید کرد: فیلم کوتاه داستانی «در رویای بابا» به نویسندگی و کارگردانی غلامحسین بارونی پنجم فروردین ماه در بوشهر کلید می‌خورد. سیدزاده اضافه کرد: «در رویای بابا» با مدت زمان ۲۰ دقیقه در مورد دختر یک آزاده است که چشم انتظار پدر رزمنده‌اش است اما دچار مشکلاتی می‌شود. وی گفت: مسعود کازرونی تصویربردار، سعید محیایی صدابردار، علی کریمی مدیرتولید، علی دریانورد منشی صحنه و عکاس و بازیگران این فیلم نیز مریم بازیار، میثاق بارونی هستند.

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

شهرستان دیر و امداد رسانی به زلزله زدگان شنبه و طسوج



ابراهیم دانش: در پی وقوع حادثه تلخ زلزله بیستم فروردین ۹۲ در منطقه دشتی؛ ایران بود و بوشهر، بوشهر بود ودشتی و دشتی بود و ایران. پس آفرین به ایران و صد آفرین به ایرانی. در اولین روز از اردیبهشت ۹۲ کمتر از دو هفته از آن اتفاق تلخ برای پیگیری عملیات امداد شهرستان دیر به فرمانداری رفتم. با فرماندار علی بحرانی درخواست گفتگویی داشتم؛ ایشان با استقبال از خبر رسانی به موقع به سوالاتم پاسخ داد.

– چگونه و چه موقع از اوضاع مطلع شدید؟

– روز و ساعت زلزله در دیر بودم به محض وقوع حادثه به اتفاق تنی چند از همکاران و معاون عمرانی مهندس منصوری بر حسب وظیفه انسانی و نوعدوستی به راه افتادیم؛ از روی شواهد می فهمیدیم که حادثه می باید در منطقه دشتی باشد؛ نظر به اینکه ارتباطات مخابراتی در لحظات اولیه قطع بود سریعا خود را به کاکی رساندیم؛ در بین راه از اهالی جویای مکان و کانون بحران می شدیم ؛هر کسی به یک نحوی پاسخ می داد. از مسیر سه راهی ناصری که رد می شدیم برای لحظاتی ارتباط تلفنی برقرار شد؛ بدون از این که بدانم نیازی به امداد هست یا خیر؛ سریعا با فرماندهی بسیج، اورژانس و هلال احمر برای امداد رسانی تماس گرفتیم. به منطقه وارد شدیم متوجه شدیم که نیاز فوری به اقلام اولیه می باشد، مجداد تماس گرفتم و همه با اشتیاق اعلام آمادگی نمودند و با تمام تجهیزات به راه افتادند، شخصا با همراهان به مدد مصدومان و مجروحین پرداختیم و تا ۴۸ ساعت اول با افتخار شخصا با تمام امکانات شهرستان در آن جا بودیم.

– تفویض اختیاراستاندار به شهرستان دیر چه مناطقی شامل شد و چه اقداماتی انجام دادید؟

– شب سوم حادثه بنا به دستور استاندار (همینجا باید به تدبیر و ابتکار عمل ایشان احسنت بگویم) جلسه ای در بخشداری شنبه تشکیل شد و هر شهرستان به جهت خدمات رسانی بهتر، حوزه ای با عنوان ستاد بازتوانی عهده دار شد، که منطقه ورودی حادثه شامل ناصری؛ سنا، بشک؛ کاردنه؛ کشتو؛ امام آباد؛ دولت آباد؛ حسین زائری؛ مرحبایی به شهرستان دیر محول شد و با افتخار از همان ساعت اولیه به منطقه اعزام شدیم و سریعا در وسط منطقه که دهیاری سنا بود ستاد را تشکیل دادیم و کمیته ها شکل گرفتند که شامل کمیته راه و شهرسازی؛ بهداشت و درمان؛ شهرداریها؛ آب وگاز و برق و تلفن؛ فرهنگی و کمیته امنیت و انتظامات. در حوزه راه و شهرسازی اولین نیاز اهالی بازگشایی معابر بود که بر اثر زلزله کوچه ها و خیابانها مسدود شده بود، سریعا با لودر و کمپرسی بازگشایی معابر صورت پذیرفت و نیاز ضروری ثانویه به دلیل واقع شدن حوزه کاری بنده در مسیر کانون بحران که همان شنبه و طسوج بود وترافیک امداد رسانی در آن جاده ومسیر انجام می شد و بر اثر بارندگی هفته قبل از زلزله قسمت عمده ای از جاده و شانه های خاکی آن جا توسط باران تخریب شده بود لذا سریعا کمیته راه با مساعدت شهرداریهای شهرستان وارد عمل شدند و ضمن مخلوط ریزی و شانه سازی و گاها ترمیم آسفالت اصلاح و مرمت جاده؛ مسیر رابرای امدادرسانی بهتر مهیا نمودند. ۴ شهرداری شهرستان (دیر؛ آبدان؛ بردخون و بردستان) با امکانات فنی و نیروهای شهری در منطقه حضوری موثر داشتند. کمیته بهداشت و درمان باید بگویم بسیار خوب عمل نمود، بهداشت محیط وبهداشت روان فعال بودند، ۳۴۲ نفر توسط پزشک ویزیت شدند، ۱۹ نفر به بیمارستان خورموج اعزام نمودیم، توزیع ۷۸۰ قلم دارو، ۲۹۶مورد کلر سنجی آب، ۱۳مورد نمونه گیری میکروبی آب منطقه، گوشه ای از خدمات کمیته بهداشت و درمان می باشد. کمیته آب ، برق، گاز و مخابرات – انصافا نیاز اولیه را به موقع برطرف نمودند، در کمتر از ۲۴ ساعت کل منطقه که بر اثر حادثه فاقد برق بودند از معابر گرفته تا منازل، ادارات و مدارس برقدار شدند؛ گرچه ما پیش بینی حالت اضطرار آبرسانی با تانکر هم نموده بودیم، ولی الحمدالله اداره آبفا همان روزهای اول همه منازل حتی چادرهایی که نیازمند بودند هم آبرسانی نمود، یکی از اتفاقات بی نظیر که در این ستاد عملیاتی شد گازرسانی به اهالی توسط کامیون مخصوص که با دستگاه کمپرس و تزریق گاز پرکنی انجام می شد و کپسولها و پیک نیکهای مردم همزمان با دستگاه پر و تحویل می شد و در روزهای بعد توزیع گاز توسط خودرو حمل کپسول بود که در سطح منطقه انجام دادیم و مخابرات هم با حضور به موقع و تقویت ایستگاهها و رله های مخابراتی سهم به سزایی در ستاد داشت. با توجه به اینکه اهالی چند روز از غذای سرد و کنسرو استفاده نموده بودند و احتمال به هم ریختگی مزاج غذایی و نهایتا امراض گوارشی به وجود میامد و نیاز به غذای گرم بود تدبیری اندیشیدیم و به همت خیرین شهرستان روزانه ۱۲۰۰تا۱۵۰۰ پرس غذا با نظارت ستاد در منطقه توزیع می شد. کمیته فرهنگی به صورت جمعی عمل نمودند، از برگزاری نماز جماعت گرفته تا شرکت در مراسم ختم متوفیان حادثه که در سنا برگزار شد، عیادت از تنی چند از مصدومان حادثه و توزیع اقلام نقاشی و کتاب و اسباب بازی به کودکان منطقه نمونه های از کارهای این کمیته می باشد. به دلیل روحیه ایمانی مردم و نجابت اهالی به جرات میگویم که کمترین وشاید بهتر بگویم هیچ موردی که نیاز به کمیته امنیتی و قضایی باشد در حوزه ستادی بنده اتفاق نیفتاد که این خود نشانگر سلامت نفس مردم این دیار دوست داشتنی می باشد.

– در خصوص اسناد سجلی و ملکی اهالی چگونه عمل نمودید؟

– در حوزه ستادی ما، تخریب به گونه ای نبود که این مدارک زیر آوار مانده یا مفقود شده باشد و موردی نبود و اگر هم نیاز باشد نماینده معین شهرستان هنوز در منطقه برای پاسخگویی حاضر است.

–پایان ماموریت ؟

– قبلا شرح وظایف برای هر شهرستان تعریف شده بود، با اتمام کارهای محوله و سر کشی مدام کارشناسان تشخیص به پایان کار ستاد اعلام شد و ما منطقه را ترک نمودیم و نماینده معین شهرستان به نام حاج غلامحسین بحرینی نژاد در دهیاری روستای سنا برای پاسخگویی و رفع مشکلات احتمالی و بررسی مراحل بعدی مستقر می باشد و روزانه گزارش اعلام کار و در صورت نیاز به ما میرسد و ما با افتخار اعلام می داریم در خدمت مردم نجیب آن دیار بوده و هستیم.

نطق حجت الاسلام پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان در مجلس:

۱۲ درخواست برای زلزله زدگان دشتی



نماینده دشتی و تنگستان نطق خود در مجلس شورای اسلامی، را به موضوع زلزله دشتی اختصاص داد. متن این سخنرانی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند متعال را سپاس گزارم که توفیق بندگی و خدمت به مردم را ارزانی فرمود و بر محمد و آل محمد درود می فرستیم که ما را در صراط مستقیم و حبل المتین حق قرار داد و سلام بر روح بلند و ملکوتی حضرت امام بنیان گذار جمهوری اسلامی و آرزوی سلامتی برای مقام معظم رهبری. در هفته ای که گذشت مردم شریف بخش کاکی و بخش شنبه و طسوج (شهر شنبه و روستاهای چاگاه – حاج احمدی – باغان – لاور – سنا – کردلان – درویشی – دشت پلنگ که قطب کشاورزی دشتی و استان بوشهر است – رزم آباد – کشتو – بشک – کاردنه – اسلام آباد–امام آباد – ممریز– بن بید – کنار بندک – اژدر خواب – دهوک – سرمک – حنا شور و عشایر سلحشور) بر اثر وقوع زلزله لرزید و موجب خسارات مالی فراوان گشت و با مرگ عزیزانی خانواده های بسیاری را داغ دار نمود ولی با این همه دل های پرمهر و محبت مردم نجیب نلرزید و پاک ترین و شورانگیزترین احساسات نو دوستی و کرامات انسانی رقم خورد و مصداق واقعی سخن سعدی دُر کلام شد که فرمود:

بنی آدم اعضای یکدیگر اند
که در آفرینش ز یک گوهر اند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

این جانب ضمن عرض تسلیت به خانواده های عزیز از دست داده ؛ و طلب علو درجات برای آنان و اجر و صبر برای بازماندگان از همت بلند مسوولان که با بیان شرح ماجرا و گزارش وضعیت لحظه به لحظه از طرف اینجانب و استاندار محترم و مسوولان محترم استانی در اسرع وقت تمام نهادها و سازمان های مرتبط با حوادث غیرمترقبه به منطقه زلزله زده بسیج نمودند و با سرعت به کمک زلزله زدگان شتافتند. مخصوصا پیام مقام معظم رهبری که تسلی خاطر مردم استان شد و حسن نظر ایشان بر اعزام نماینده خویش به منطقه زلزله زده تا روند امداد رسانی با سرعت و دقت دنبال شود و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی برادر ارجمندم جناب آقای دکتر لاریجانی که با تماس ها و پیگیری های مداوم و حضور در منطقه و ابراز احساس همدردی با مردم زلزله زده و شرکت در جلسه شورای اداری استان موجب تصمیمات قابل توجهی در خدمت رسانی شدند و با عنایت هایی که در بحث بودجه خواهند نمود روند بازسازی روند قابل قبولی خواهد گرفت و هم چنین ریاست محترم جمهور و معاون اول محترم ریاست جمهوری جناب آقای دکتر رحیمی که به اتفاق وزرای محترم (وزرای محترم کشور و بهداشت) و هلال احمر، ضمن بازدید از منطقه زلزله زده در اسرع وقت و ملاقات مردمی و شرکت در جلسه شورای اداری و گذراندن مصوباتی در خدمت رسانی به مردم موجب امتنان گردید و استاندار محترم و سخت کوش و خستگی ناپذیر جناب آقای مهندس حسنوند و معاونین محترم ایشان و فرمانداران و بخشداران محترم استان و منطقه ویژه (عسلویه) که با تمام توان تلاش در کاهش آلام و خدمت رسانی همت بلند به خرج دادند و همکاران نماینده استان، ریاست محترم کمیسیون های عمران و بهداشت مجلس و نمایندگان محترم که روند پیگیری ها و مساعدت ها را تسریع بخشیدند. از نماینده مقام معظم رهبری در استان که با حمایت های معنوی خویش و حضور در منطقه باعث آرامش مردم شدند.

هم چنین مراجع تقلید، نماینده محترم خبرگان رهبری که با پیام و حضور خویش با مردم همدردی و همراهی نمودند. هلال احمر جمهوری اسلامی و استان که با سرعت و دقت در اولین لحظه های وقوع زلزله کار امداد رسانی را آغاز نمود و نیروهای نظامی و انتظامی استان مجموعه خدوم اطلاعات استان، سپاه پاسداران ارتش جمهوری اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ، تامین اجتماعی و بسیجیان عزیز که یار و یاور مردم بودند.

هم چنین صدا و سیمای جمهوری اسلامی به ویژه صدا و سیمای مرکز استان و مدیریت آن که با برنامه های متنوع و به موقع حس نودوستی به بهترین شکل ممکن به تصویر کشاندند.

از مردم نوعدوست استان، امداد رسانان استان های همجوار و سراسر کشور و دانشگاهیان، فرهنگیان، دانشجویان، ائمه جمعه و جماعات، هنرمندان، عشایر عزیز، ورزشکاران، تجار و بازاریان و تمام صنوف و همه اقشار صمیمانه تشکر و سپاس می نمایم.اما لازم میدانم همان طوری که در جلسات شورای اداری استان و یا جلسات دیگر مربوط به زلزله و مصاحبه ها با رسانه ها تاکید کرده ام مواردی را دوباره یادآوری نمایم:

۱.از ریاست محترم مجلس و همکاران عزیزو نماینده محترم دولت ، به خصوص اعضای محترم کمیسیون برنامه و بودجه که در فصل بودجه که اکنون در مجلس در حال بررسی است ردیف خاصی منظور فرمایند.

۲. از مسئولین محترم استانی به ویژه استاندار سخت کوش می خواهم که تا حصول نتیجه نهایی مسایل و مشکلات مردم زلزله زده و مصوبات مربوطه را دنبال نمایند و با بررسی کارکردها در راستای بازسازی مناطق زلزله زده موجب تقویت و اعتلای روحیه عمومی مردم شود.

۳. ساخت واحدهای مسکونی با توجه به عرف محلی و موقعیت جغرافیایی ۸۵ متر به بالا در نظر گرفته شود تا حداقل، آسایش و امنیت برای مردم فراهم شود.

۴.با توجه به فرارسیدن فصل گرما حتما لازم است وسایل سرمایشی (کولر و یخچال) در اختیار مردم شریف و نجیب قرار گیرد.

۵.بازسازی اماکن مذهبی در صدر برنامه های بازسازی قرار گیرد

۶.با توجه به خسارات وارده و بضاعت عمومی مردم ۶ ماه آب و برق مردم رایگان شود.

۷.عشایر سخت کوش و عزیز که دچار خسارت شده اند به سرعت به امور آن ها رسیدگی شود و با نهایت دقت اوضاع فرد فرد آن ها بررسی و کمک های لازم انجام پذیرد.

۸.منطقه دشت پلنگ که قطب کشاورزی دشتی و استان است متحمل خسارت شده باید به وضع این کشاورزان عزیز رسیدگی و با برآورد خسارت تمام کمک های لازم صورت پذیرد.

۹. با توجه به تخریب گاوداری ها، دامداری ها و مرغداری ها و جاده های بین مزارع و انبار نهادهای کشاورزی و خانه های کارگری با برآورد خسارت بازسازی صورت گیرد.

۱۰. چون مردم شریف منطقه هم دچار حوادثی چون سیل قبل از وقوع زلزله اخیر شده اند از مقامات عالیه می خواهم ترتیبی اتخاذ شود تا وام های کشاورزی و مسکونی آن ها یا مشمول بخشودگی یا فرصت های چندساله بازپرداخت شوند.

۱۱. از مسئولین استانی می خواهم با پیگیری مداوم و بررسی لحظه به لحظه ی منطقه زلزله زده ؛ هیچ عزیزی که دچار حوادث زلزله شده از لیست خدمت رسانی جا نماند.

۱۲. امیدوارم ترتیب بازسازی منطقه زلزله زده به شکلی قرار گیرد تا در حداقل ممکن زمانی با رعایت تمام اسلوب های علمی و مقاوم سازی کار انجام پذیرد و مردم در خانه و کاشانه خود آرامش یابند.

در پایان بر خود فرض می دانم که به طور مداوم پیگیر مسائل و مشکلات مردم شریف زلزله زده باشم و در این راه لحظه ای آرام و قرار نگیرم تا خدمتی به این مردم شریف صورت گیرد. خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار.

یقین دارم بیرم و کوه مند دشتی با ستیز آسمان سایش و برج های هیبت مندش و مردمان با صفای دیارش که دور مانده فخرش از تاراج هر تسخیر دوباره قامت دیروز خود را به امید فردا سر خواهد کشید که به قول شاعر معروف قطران تبریزی که در باب زلزله گفت:

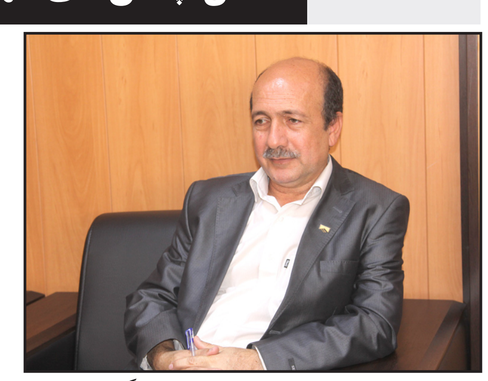
فراز گشت نشیب و نشیب گشت فراز
رمال گشت جبال و جبال گشت رماد
دریده گشت زمین و خمیده گشت نبات
دمنده گشت بحار و رونده گشت جبال

الحمدالله الوافی و الکافی
سید محمد مهدی پورفاطمی
نماینده مردم شریف دشتی و تنگستان

مصاحبه با مهندس علیرضا سنایی دشتی رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

عدم رعایت مقررات ساخت و ساز بر وسعت تخریب ها و تلفات زلزله دشتی افزود

حل چالش‌های شهر بدون داشتن تخصص و دانش مدیریت، ممکن نیست



– زلزله مصیبت بار شهرستان دشتی باعث مرگ تعدادی از هم استانی های عزیز و خرابی خانه های مسکونی شهر شنبه و روستاهای اطراف آن شد. آیا از طرف سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر هم در این زمینه، بررسی صورت گرفته است؟

– ضمن عرض تسلیت به بازماندگان این زلزله، باید گفت که در هفته‌های اخیر، علاوه بر زلزله تأسف بار منطقه دشتی در نقاط دیگری از کشورمان نیز زلزله هایی رخ داد که این امر بار دیگر لزوم آمادگی و برنامه ریزی همه ما را برای مقابله با این بلای طبیعی یادآوری می‌کند. در زلزله شهرستان دشتی، سازمان نظام مهندسی، بلافاصله پس از وقوع حادثه با انجام هماهنگی با ستاد مدیریت بحران استان، برای کاهش مشکلات هموطنان وارد عمل گردید و در صبح روز بعد از وقوع زلزله اکیپی سی نفره متشکل از بنده و کارشناسان سازمان به آن مناطق رفتیم و کارشناسان ما برای آسیب شناسی حادثه بازدیدهای فنی مختلفی از نحوه و دلایل خرابی های به بار آمده انجام دادند.

–در این بازدید به چه نکات فنی و مهندسی که منجر به خرابی و ریزش ساختمانها شده بود، برخورد نمودید؟

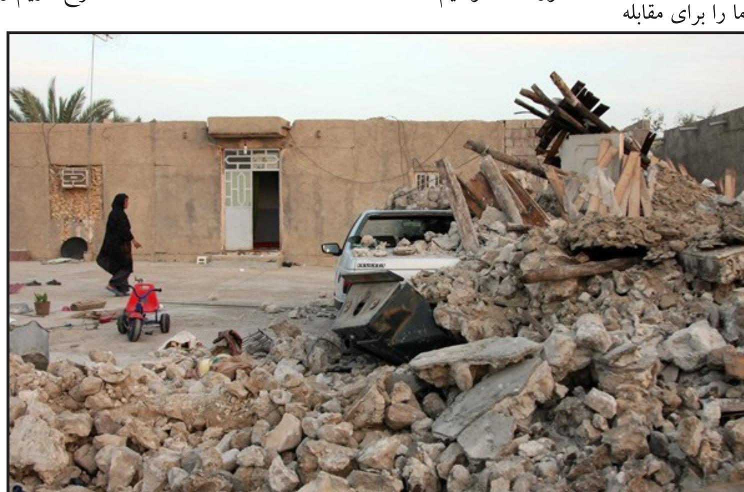
–زلزله شنبه از لحاظ قدرت براساس مقیاس ریشتر چندان مهیب نبود (شش و یک دهم ریشتر) ولی متأسفانه خرابی های بیش از حدی به بار آورده بود که با بررسی هایی که ما انجام دادیم مشخص گردید بسیاری از واحدهایی که تخریب شده بودند بخاطر عدم رعایت مقررات ساخت و ساز واستانداردهای نظام مهندسی بوده است. متأسفانه در سازه های آن منطقه حداقل هایی که در آیین نامه های ما برای سازه های ایمن پیش بینی شده اند رعایت نشده بود و عموما از مصالح سنتی و نه حتی بنایی استفاده شده بود. در برخی از بناهای تخریبی مشاهده می شد که بجای سنگ مخصوص ساختمان، قلوه و گچ بکار رفته است و سقف ها نیز یکپارچگی و انسجام لازم را نداشته اند. اکثر واحدهای مخروبه بدون شناژ ساخته شده بودند که متأسفانه همین عدم رعایت مقررات ساخت و ساز بر وسعت تخریب ها و تلفات افزوده بود.

– آیا سازمان نظام مهندسی بر ساختمان سازی در آن منطقه نظارتی داشته است؟

– سازمان نظام مهندسی برای بهبود وضعیت سازه ها و رعایت مقررات ساختمان سازی همواره سعی کرده است که در همه جای استان بوشهر حضور داشته باشد. ما از سال ۱۳۸۲ تا بحال موفق به تأسیس هفت دفتر نمایندگی در نقاط مختلف استان از جمله عالیشهر، چغادک، خورموج، کنگان، گناوه، برازجان و اهرم شده ایم و خوشبختانه همین حضور دفاتر و کارشناسان ما تأثیر بسیار مثبتی بر بهبود وضعیت ساخت و ساز از لحاظ رعایت استانداردها در مناطق مذکور داشته است. متأسفانه منطقه زلزله زده تحت پوشش سازمان نظام مهندسی ساختمان نبوده است. منطقه شنبه حالت روستایی داشته و به تازگی به شهر تبدیل شده بود.

– آیا در بازسازی شهر شنبه هم مشارکتی دارید؟

– ما و همکارانمان برای بازسازی آنجا و نظارت بر سازه هایی که احداث خواهد شد اعلام آمادگی کرده ایم و سازمان نظام مهندسی این امر را به طور رسمی به نهادهای ذی‌ربط اطلاع داده است و انشاالله در هنگام بازسازی مناطق زلزله زده در آنجا حضور فعال خواهیم داشت.



– سازمان نظام مهندسی چه فعالیت هایی را در سطح شهر بوشهر دنبال می کند؟

– این سازمان بصورت استانی عمل می کند، با این حال به دلیل بیشتر بودن درصد ساخت و ساز و فعالیت های عمرانی در شهر بوشهر و عالیشهر، خدمات مهندسی ما تمرکز بیشتری در این دو شهر دارد. دستور کار ما بیست و یک مبحث در رابطه با مقررات ساخت و ساز است که به کل کشور ابلاغ شده است. این بیست و یک مبحث تأمین کننده استانداردهای لازم برای ساخت و ساز جهت تأمین ایمنی، آسایش، بهداشت و بهره وری اقتصادی ساختمان هاست. کارشناسان این سازمان با همکاری سازندگان، این مباحث بیست و یک گانه را در هر ساختمان که ساخته می شود لحاظ نموده و اجرا می کنند.

یکی از مواردی که در شهر بوشهر بایستی حتما رعایت شود بررسی میزان استقامت زمین برای ساخت طبقات است. از آنجا که بخش هایی از زمین های این شهر ماسه ای و روانگرا است، زمین مورد نظر برای ساخت و ساز ابتدا باید از لحاظ ژئوتکنیکی بررسی و آزمایش شود. خوشبختانه این سازمان از سال گذشته آزمایش ژئوتکنیک خاک و زمین را شروع کرده و در حال گسترش دادن آن برای تأمین ایمنی هر چه بیشتر سازه ها هستیم. با انجام آزمایشات ژئوتکنیکی و تعیین کیفیت زمین، مهندسان طراح می توانند برای مقاوم سازی زمین برنامه ریزی بهتری انجام بدهند.

از دیگر فعالیت های این سازمان، گاز رسانی به منازل مسکونی در سطح استان است که در این زمینه سازمان نظام مهندسی فعالیت و کارنامه بسیار خوبی داشته است. ما از زمان آغاز به کار گازکشی تاکنون بیش از پنجاه هزار پرونده کاری در کل استان تشکیل داده ایم که هر پرونده می تواند شامل چندین خانه یا واحد مسکونی باشد و این نشان دهنده وسعت این حوزه کاری سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر است. در این رابطه ما تعامل خوبی با سایر ارگان ها به ویژه با اداره گاز داشته ایم و کنترل و نظارت کاملی نیز بر شرکت های مجری طرح داریم و سعی ما بر این بوده است که با توجه به اهمیتی که امنیت گاز برای شهروندان گرامی دارد پایه مستحکم و مناسبی را در امر گاز رسانی ایمن و مطلوب در شهر و استان بوشهر داشته باشیم.

– نقش سازمان نظام مهندسی در تهیه طرح جامع شهری (طرح تفصیلی) چیست؟

– طرح تفصیلی هر شهر طبق مقررات و زمان بندی خاصی تهیه می شود و از طریق اداره کل راه و شهرسازی پیگیری شده و توسط مشاور تهیه می گردد. با اینحال بعد از آماده شدن طرح، نظرسنجی صورت می گیرد و ما در کمیسیون ماده پنج نظرات خود را جهت بهبود و رفع نواقص احتمالی آن اعلام می کنیم.

– از دیدگاه جنابعالی، با توجه به اهمیت و گستردگی مسایل شهری وجود افراد متخصص و آگاه به مسایل شهری در شورای اسلامی هر شهر چه اهمیتی می تواند داشته باشد؟ به ویژه اینکه این شورا، شهردار و تیم همکاران وی را انتخاب می کند.

– طبیعتا برای به سرانجام رساندن هر امر مهم دو مقوله اهمیت فراوانی دارند که شامل توانایی مدیریت و داشتن تخصص و آگاهی لازم می باشد. هر شهر برای رشد و توسعه خود به مدیریت بخش ها و فعالیت های گوناگون شهری اعم از ساخت و ساز و امور شهرسازی، معابر، تأسیسات زیر بنایی مانند آب و برق و فاضلاب و گاز و تلفن و بخش های بهداشتی، اقتصادی و رفاهی نیاز دارد. مسلما حفظ حقوق شهروندان و اداره مطلوب این موارد بدون انجام مدیریت صحیح و داشتن آشنایی لازم با این مقوله ها و تعامل سازنده با سایر ارگان ها میسر نخواهد بود. به همین خاطر نقش اعضای شورای شهر به عنوان سخنگویان و دنبال کنندگان منافع و حقوق مردم و نیز ناظران بر فعالیت های شهرداری بسیار مهم و حیاتی است.

امام جمعه بوشهر:

مسئولان به بازسازی منطقه زلزله زده شتاب بیشتری دهند



نماینده ولی فقیه در استان وامام جمعه بوشهر گفت:با توجه به گرمی هوا و شرایط این منطقه، مسوولان استانی و ملی باید به بازسازی و تامین اقلام مورد نیاز مناطق زلزله زده این استان شتاب بیشتری بدهند. به گزارش ایرنا؛ آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری در خطبه های نماز جمعه بوشهر افزود:دست اندرکاران بازسازی مناطق زلزله زده این استان باید با برنامه ریزی ، اعمال مدیریت و کار کارشناسی ، زمینه احیای هر چه بیشتر این مناطق را فراهم کنند. وی در بخش دیگری از خطبه ها به ۱۰ اردیبهشت روز ملی خلیج فارس اشاره کرد و گفت:خلیج فارس هماره با همین نام و اسلامی باقی خواهد ماند و دریای مرگ جهان سلطه درآینده خواهد بود. امام جمعه بوشهر اضافه کرد:به سبب نقش مهم این آبراه در جغرافیای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جهان، کشورهای استکباری تمام اندیشه خود را معطوف به سلطه بر آن قرار داده اند. نماینده ولی فقیه در استان بوشهر ادامه داد:جهان سلطه در پی این است که واژه فارس را از این آبراه حذف کند یا آن را بی اساس جلوه دهد تا کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران بد بین شوند. صفایی بوشهری افزود:بدون شک حوزه خلیج فارس باید یک مدیریت کارآمد داشته باشد تا بتواند توطئه های دشمن را خنثی کند و این مهم مورد سفارش رهبر معظم انقلاب نیز هست. امام جمعه بوشهر همچنین به انتخابات شوراهای اسلامی اشاره کرد و آن را نماد مردم سالاری دینی و توجه ویژه به آحاد مردم دانست.

توزیع ۱۰۰۰ کولر گازی میان زلزله زدگان

دبیرکل جمعیت هلال احمر از توزیع ۱۰۰۰ دستگاه کولرگازی در مناطق زلزله زده بوشهری خبرداد.

محمد عباسی در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به وضعیت اقلیمی مناطق زلزله زده بوشهر گفت: با توجه به شرایط اقلیمی این منطقه و گرمای بیش از حد هوا، مردم زلزله‌زده نیاز شدیدی به کولر گازی دارند.

وی با بیان اینکه براساس مشاهدات تیم های عملیاتی حاضر در منطقه، کودکان و سالمندان در چادرها به سختی زندگی می‌کنند،گفت: این مسئله مطمئنا با آغاز فصل تابستان جدی‌تر خواهد شد و برهمین اساس جمعیت هلال احمر از محل کمک‌های مردمی برای زلزله زدگان بوشهر و همچنین منابع داخلی جمعیت اقدام به خرید ۱۰۰۰ کولر گازی کرده است.

دبیرکل جمعیت هلال احمر با بیان اینکه به دلیل هوای شرجی این منطقه، کولرهای آبی و پنکه پاسخگو نخواهد بود، گفت: هزار دستگاه کولر گازی خریداری شده هفته آینده میان زلزله زدگان بوشهری توزیع خواهد شد.

وی با بیان اینکه مردم خیرمی‌توانند کمک‌های نقدی خود را به حساب ۹۹۹۹۹ هلال‌احمر و یا با ارسال پیامک خالی به شماره ۸۱۱۵ از خطوط ایرانسل کمک‌های خود را به مردم نیازمند ارائه کنند، گفت: همچنین خیرین می‌توانند از طریق دستگاه‌های عابر بانک بانک‌های ملت و مسکن کمک‌های خود ارائه برای کمک رسانی به مردم زلزله‌زده واریز کنند.



آموزش و پرورش بوشهر پاسخ می دهد؟

با توجه به پرداخت حق التدریس سال ۹۱ در تمام استانهای کشور به جزء استان بوشهر، متأسفانه در این استان ۱۰ روز از مهر ماه، ۱۰ روز از آذر ماه، ۱۵ روز از دی ماه و ۳۰ روز از بهمن ماه پرداخت نشده است.

به گزارش بنا؛ حق التدریس کارورزی تابستان ۹۱ نیز پرداخت نشده است. همچنین نیمی از حق بیمه طلایی که باید از طرف آموزش و پرورش به فرهنگیان پرداخت می شد، از ۱۲ ماه سال ۹۱، فقط فروردین ماه آن پرداخت شده است و مابقی آن هنوز پرداخت نشده است.

جمعی از هنرآموزان هنرستان علم و صنعت برازجان با ارسال پیامی به پایگاه خبری بُنا ضمن بیان مطالب فوق خطاب به نوشته اند: از سازمان بازرسی استان و همچنین ذی حساب استانداری تقاضا داریم این درخواست را بررسی و پیگیری نمایند و حق تمام فرهنگیان استان را از سازمان آموزش و پرورش استان مطالبه کنند.

نسیم جنوب
اجتماعی ۶
شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

چه کسی بومی است؟ چه کسی مسئول و پاسخ‌گو؟



عادل شجاعی

از شهرستان شدن عسلویه و سخنانِ نماینده ولی فقیه در شیراز مبنیَ در اتصال استان فارس به دریا که بگذریم، موضوعی که ناعادلانه بودن آن اظهرُ مِنَ الشمس است، بومی شدن برخی شهرستان‌های جنوب استان فارس است. به شلوغی خیابانَ‌های ساحلی کنگان نگاهی بیندازید. به گسترش تصادفات درون شهری و حجم بالای وسایلِ نقلیه در معابر و زمانی که روزانه پشت چراغ قرمز صبر می کنیم و چند بار باید سبز و قرمز شود تا که بتوانیم به خانه یا محل مورد نظرمان برسیم، فکر کنید. مهاجرت گسترده و توسعه غیرپایدار شهرستان کنگان، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی راَ با خود به همراه داشته است. می‌بینیم که بیشترِ معضلات فرهنگی و اجتماعی توسعه میدان گازی پارس جنوبی دامن گیر شهر کنگان است و هنوز جوانان بی‌کار زیادی در کنگان هستند امّا برخی شهرستان‌های استان فارس مثل لار و گراش و قیروکارزین و فراشبند که هیچ‌کدام از هزینه‌های فرهنگی و اجتماعی که کنگان می‌پردازند، نمی‌پردازند هم بومی منطقه شده‌اند. کجای این امر عادلانه به نظر می‌رسد؟

چه کسی مسئول است؟

هم‌چون گرانی و مشکلات اقتصادی که وقتی از مجلسی‌ها چرایی آن را می‌پرسیم، کاستی‌ها را بر گردن دولت می‌اندازند و دولت هم گناه را بر گردن تحریم‌ها و استکبار جهانی؛ هر کسی توپ را در زمین دیگری می‌اندازد. به نظر من، همه‌ی ساکنین کنگان مقصرند. من هم مقصر هستم. شما هم مقصرید. نماینده مجلس، فرماندار، شهردار و شورای شهر هم مقصر هستند. قصد متهم کردن کسی را ندارم. از سویی هم نمی‌توانم پوپولیست باشم و هندوانه زیر بغل مردم بگذارم. هر کس به سهم خود و با توجه به اختیارات و مسئولیت خود، مقصر و مسئول است.

تا به حال، کدام یک از مسئولان پاسخ‌گو بوده‌اند؟ منتظر هستیم بشنویم که برای این همه معضل اجتماعی و فرهنگی و بی کاری و... چه تدبیری اندیشیده‌اند؟ چه اقدام نتیجه‌بخشی انجام داده‌اند؟ تا به حال، آیا اعتراضی هم نسبت به این مسائل داشته‌اند؟ یا این‌که فقط در ایّام انتخابات، تریبون به دست می‌گیرند و سخنرانی می‌کنند؟ آن‌چه مهم به نظر می‌رسد این است که این دست از حوادث نباید به دست فراموشی سپرده شود و با پی گیری دل‌سوزان شهرستان، تاَ رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب، تلاش کرد.

معرفی «ارجوزهٔ بَرّ العرب فی خلیج فارس»

به مناسبت بزرگداشت روز ملی خلیج فارس

دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل - استاد دانشگاه خلیج فارس

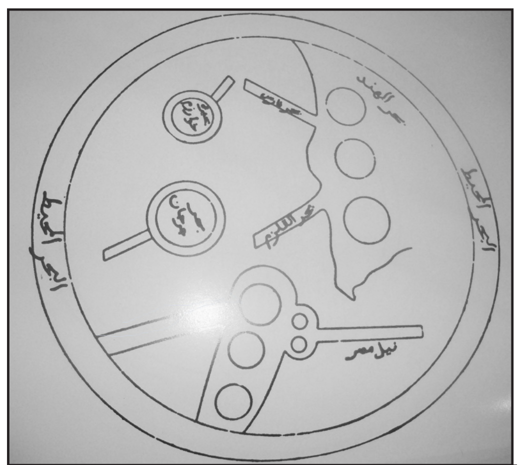


سرایندهٔ این منظومه شهاب‌الدین احمد بن ماجد مشهور به ابن ماجد دریانورد است. سال وفات او را بعد از ۹۰۴ هـ نوشته‌اند و در این که اهل کدام کشور بوده است نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی او را اهل نجد و برخی اهل عُمان و یا امارات متحده از شهر جلفار (رأس الخیمه) دانسته‌اند و برخی به دلیل تسلط او به زبان فارسی در کنار زبان عربی، او را ایرانی‌الاصل می‌دانند.

شهاب الدین یکی از مفاخر تمدن اسلامی و یکی از مشهورترین دریانوردان مسلمان در سدهٔ نهم هجری است. او همان کسی است که در سال ۱۴۹۸م. ناخدای کشتی پرتغالی واسکودی گاما (Vasco de Gama) بوده و آن را از مالیندی (کنیا) در سواحل شرقی افریقا تا کلکته هدایت کرده است. همچنین او را مخترع قطب‌نمای مغناطیسی می‌دانند. (زرکلی، الأعلام، ج۱، ص ۲۰۰- ۲۰۱)

ابن ماجد در کنار مهارتش در دریانوری و شناخت راه‌های دریایی، ذوق شعری نیز داشته و بسیاری از تجارب خود را در قالب اشعار به نظم کشیده است. در این میان منظومهٔ معروفی دارد با نام «ارجوزهٔ بَرّ العرب فی خلیج فارس» در صد بیت در قالب مثنوی:

این منظومه اگرچه دارای ارزش ادبی والایی نیست ولی دارای ارزش جغرافیایی و تاریخی بسیاری است، به گونه‌ای که اطلاعات مفیدی دربارهٔ شهرهای ساحلی خلیج فارس و نیز جزایر موجود در آن را ارائه می‌دهد. در ضمن نام «خلیج فارس» هم در عنوان شعر و هم در بیت پایانی آمده است. فراموش نکنیم که منظومه در سدهٔ نهم سروده شده است. نخستین بیت منظومه چنین است:



معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی، سدهٔ ششم و هفتم هجری

یا طَالِقاً من آخرِ الفُرَاتِ والبَصرَةِ الفیحاءِ خُذ وَصَاتی

(ای که از انتهای فرات و بصرهٔ وسیع، حرکت خود را آغاز می کنی، وصیت‌های مرا بشنو.)

در این ارجوزه نام ری‌شهر و بوشهر نیز آمده است:

وَإجرِ مِن خَارَج إلی ری‌شهر
زامَینِ فی الإکلیلِ إعزِم وَآجرِ

ثَمّ أبوشَهرَ تَرَی والأخوَار
إن شیتَ تَدخُلَ آسمَعِ الأشوار

(ترجمه: از خارك به سوی ری‌شهر که حرکت کنی یک روز تمام باید به طرف اکلیل (برج عقرب) در حرکت باشی. سپس بوشهر و خورها را می‌بینی و اگر بخواهی داخل اشوار؟ می گردی)

از دیگر شهرهای مذکور در این ارجوزه: ماهشهر (ماشور)، بهرکان، گناوه (جنّابهٔ)، روزبند، رأس لفان، قطیف، لار، بردستان، سیراف، فال، برکوه، شیوه، تاوانه، دوان، التیز، لشتان، قطر، الشارقه، أم القویره، رأس الحجر، رأس الخیمه، درجاوان، جرفار.

و از جزیره‌هایی که ابن ماجد از آنها نام برده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خارك (خارج)، خیرسات، لارك (لار)، تاروت، بحرین، منج، شتوار، التیر، شیروه، المرزم، نخیلوه، فرور، کیش (قیس)، صیری، تُنب (طُنب)، هنگام (هنجام) اشاره کرد.

و بالاخره بیت پایانی این منظومه چنین است:

وَ صَلِّ ما جُزتَ خلیجَ فارس علی النبیّ المُصطفَی یا رَایس

آنگاه از خلیج فارس گذَر کردی بر مَحمد مصطفی (ص) درود بفرست.

شاخاب پارس؛ نگینی درخشان درسرزمین پارسیان



بهزاد هراتی

در گاهشمار هر دیار و سامان، یاد روزها و فراخورهای ملی- مردمی در فرمانروایی ها و حکومت ها به شکل دوره ای و چرخه ای برای ارج نهادن و بزرگداشتن ها، به شکل نمادین به نگارش درآمده تا کیستی ها و هویت های آن سرزمین را برای نسل ها و دودمان ها بازخوانی و یادآوری نماید.

ایران؛ این سرزمین پیر و پخته شده در کوره های هنگامه زمان، برگ های زرینی را که دستاورد و برآمده از پیروزیها و شکست های گوناگون در درازنای زندگی خود بوده، بر دفترچه روزگار نگارش نموده تا با پاس داشتن ها، همراه با آگاهی و دانش، بر استواری و پابرجا ماندنشان پافشاری شود.در این میان، گستره ای زیبا و لبریز از آب زندگی که بر پای این سرزمین فرش شده تا شور و شادی را در رگهای این سرزمین تزریق نماید و اندوخته هایش را به همگان ارزانی دارد خلیج نیلگون همیشگی پارس یا همان " شاخاب پارس " بوده که همچون نگینی درخشان بر این گوی خاکی خودنمایی می کند و پرتوافشانی و فروزه های تابناکش هماره خاری بر چشم کوردلان چشم نما بوده است.

"خلیج فارس " که به پارسی " شاخاب پارس " گفته می شود در درازنای زمان، آماج تازش ها و آفندهای بسیاری بوده و چه بسیار کشورهایی که خواسته اند راه و مسیرش را به سوی خواسته و کشش های خود منحرف و دگرگون سازند ولی این پهنه گسترده آبی با ژرفای نگریستنی خود، انگیزه بداندیشان را در خود چاره نموده و تنها پوسته ای از خواسته های خیالی ناکسان را به کناره و ساحل خود پس رانده است.

" شاخاب پارس " که خلیج پارسش می نامیم در بسیاری از کتاب ها و نسک ها ، مقاله ها و نوشتارها بدین نام برده شده که هزاران نقشه، متعلق به قبل و بعد از میلاد مسیح از خلیج پارس با همین نام و یا نامهای مترادف توصیف شده است...

در همین راستا می توان نگاهی به اعتراف ها و حقایقی که دو متفکر بزرگ مصری در مجله الاهرام العربی بدان اشاره نمودند انداخته تا یاوه گویی های ایران ستیزان بیش از پیش نمایانده شود. آنان در بخشی از سخنانشان اینگونه می گویند:

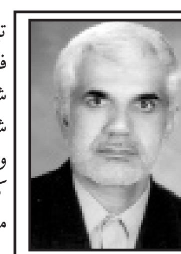
" هیچ سند تاریخی برای تغییر نام خلیج پارس وجود ندارد و سکونت فعلی اعراب و وجود دولتهای عربی در سواحل این خلیج دلیل منطقی برای تغییر نام کهن و تاریخی آن نیست. از سال های ۵۵۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد که دوره حاکمیت امپراتوری پارس بر تمام منطقه خاورمیانه و بویژه تمام خلیج پارس و بخشی از شبه جزیره عربی است؛ نام دریای پارس بطور گسترده در متون های گوناگون مدون شده ذکر گردیده است..."

اکنون با آگاهی از هنگامه و پیشینه شاخ آب همیشگی پارس، براستی که داوش و ادعاهای پوشالی و حباب گونه تازیان می تواند نشان از خود کم بینی ها و زخم های ژرف ایجاد شده بر بی شناسنامه بودنشان باشد که همگی برگرفته از نادانی و جهالت آنها در برش های گوناگون زمان است تا بدین شکل و داوش، مرهمی هر چند زود گذر بر دردهایشان باشد.

" شاخاب نیلگون همیشه پارس، این یادگار دیرینه آریایی همچون نگینی درخشان برتارک وجودی این سرزمین تا ابد خواهد درخشید وتشعشعات درخشان و تابناکش هماره خاری برچشم ناپاک تازیان و ایران ستیزان خواهد بود. "

تاسیس مرکز تجاری یا قلعه مستحکم نظامی

به مناسبت برگزاری روز ملی خلیج تا ابد فارس



عبدالحمید قیصری

تیدوبارون کنیپ هاوسن پس از فرار از زندان نماینده کمپانی هند شرقی (واک) در بصره شد وی شخصی فوق العاده مرموز، متفکر و عیاش بود و انجام هرگونه کارهای خلاف, وحشیگری و ماجرجویی ها را زرنگی و از امور روزانه می دانست تیدوبارون خود را از هرگونه قید و بند و ممانعت هایی که مسیحیان مانند زهد و تقوی و اخلاق به آن وابسته بودند و هستند را آزاد می دانست و به گواه تاریخ به دلیل داشتن فساد اخلاق و روابط نامشروع با زنان مسلمان و شوهردار پس از تحمل شلاق و زندان و پرداخت پنجاه هزار روپیه جریمه به حکم پادشاهای بغداد و بصره با خفت و خواری در سال ۱۷۵۳ از بصره اخراج گردید هاوسن درمسیر راه خود وارد جزیره خارگ گردید و باترفند و اغوا نمودن میرناصر حاکم بندرریگ و جزیره خارگ درسال ۱۷۵۳ میلادی آن جزیره را عملا متصرف نمود و به اصطلاح اولین سنگ بنای بزرگترین مرکز تجاری را در همان سال به احترام یاکوب موسل فرمانده کل واک بنا نهاد و قلعه موسلستاین نامگذاری شد از ابتدا مشخص بود که جاطلبی و اهداف هلندیها تنها ایجاد یک مرکز تجاری و بازرگانی نیس ت؟

هلندی های ماجراجو به دنبال اجرای نقشه وسیع تر و طرح های بلند پروازانه تری بودند استقرار در خارگ و احداث قلعه تنها جزیی از نقشه های وسیع تربارون به حساب می آمد. ایجاد حفر خندق های بزرگ، جداسازی قلعه از اراضی خارگ، احداث سنگر به شکل های مختلف و ... او قصد آن داشت که این قلعه را تا آنجا که امکان دارد تسخیر ناپذیر سازد.

این قلعه به شکل یک ساختمان سنگی مربع شکل و از دو بخش درونی و بیرونی ساخته شده بود این قلعه چهار بارو داشت که بر فراز هر کدام هشت توپ استقرار یافته بود شش تای این توپ ها به دو طرف و دوتای دیگر روبه طرف دریا قرار داشت جلو دروازه قلعه در برابر دریا یک سکو وجود داشت که بر فراز آن دروازه شش توپ ۶ تا۱۸ پوندی کار گذاشته شده بود و نیز ۴۰ توپ دیگر به اندازه های مختلف به روی زمین بود که مخصوص حمل با ارابه بود در انتهای قلعه خانه هایی برای اروپا بیان ساخته شده بود.

از دریا به دریا دیوارهایی احداث شده بود به این ترتیب که این دیوارها از ساحل شمال غربی جزیره خارگ شروع می شد و تا ساحل جنوب شرقی آن جزیره امتداد داشت.

یک باروی مثلث شکل در انتهای شمال غربی جزیره قرار داشت و بر فراز آن شش توپ کار گذاشته شده بود که دوتا از توپها متوجه دریا و دو تا متوجه ساحل و دو تای دیگر هم در جهت پوشش دیواره ها بود. یک اسکله سنگی نیز برای حفظ قایق های مختلف از وزشهای بادهای سختی که می وزید ساخته شده بود و به وسیله دو یا سه قایق مسلح که به ۶ یا ۸ توپ مسلح شده بودند و این توپها از هر سلاحی که همسایگان آنها خصوصا ترکها از آن نوع داشتند قوی تر بود.

جزیره خارگ نیز از طریق دریا توسط یک ارابه قایق جنگی شش توپ گردشی (قابل چرخش) شش توپ سه پوندی و چهار توپ چرخان وخندق عمیق به دور دیوار محافظت می شد. ساختن قلعه و خود قلعه به وسیله صد محافظ اروپایی محافظت می شد. ساختن استحکامات برای هلندیها در خارگ هزینه های زیادی دربر داشت

در گزارش دیگری آمده است که دور قلعه یک هزار و دویست قدم می باشد داخل قلعه بی نهایت با صفا و به حد کمال فرح افزا است.

جمیع خانه های آنها را باغچه های محضر و مشجر و غالب اشجار آنها نخل، انگور، انجیر، سپستان، لوز، لیل و ... می باشد.

ساختمان ها بسیار با استحکام ساخته شده بودند و نوع مصالحی که در احداث این قلعه بکار رفته شده بود انواع سنگ، گل، انواع الواح و ستون های ضخیم شاه چوب و قلم های آهن که با پیچ و مهره آهنی محکم شده بودند.

فراسیس وود در خلال شش بار مسافرتش در سالهای ۱۷۵۵ الی ۱۷۵۶ به جزیره خارگ گزارش جالبی از قلعه و مرکز تجاری هلندیها، استحکامات جزیره خارگ، نیروهای دریایی و زمینی هلندیهای مستقر در خارگ، روش حکومتی هلندیها در جزیره خارگ، انبارهای پر از کالا و ... ارایه نموده است.

«وود» در مورد تعداد نیروهای زمینی هلندیها آورده است که نیروی زمینی هلندیها مرکب بود از تعدادی اروپایی و بردگان آفریقایی که بسیار قوی هیکل و خوش اندام بودند از این تعداد حدود شصت نفر اروپایی شامل هفت الی هشت افسر و تعداد یکصد نفر محافظ از بردگان آفریقایی بودند که برطبق اصول آن کشور با شمشیر و سپر مسلح بودند.

بارون کنیپ هاوسن با رفتارهای مناسب آنها را به خود جلب کرده بود هاوسن برای این که محافظان نسبت به او بیشتر وفادار و پابرجا و از او به خوبی محافظت نمایند برای آنها خرما، ماهی، نان و ... به اندازه کافی فراهم و تامین می کرد و تن پوش تمیز و زیبا به آنها می داد و همچنین در جهت تامین غرایز جنسی آنها اجازه ورود تعداد قابل توجهی از زنان آفریقایی به خارگ را داده بود و به صورت اشتراکی با محافظان زندگی می کردند هاوسن هرگز آنها را کنترل نمی کرد و در امور مذهبی شان نیز دخالتی نمی کرد ولی اگر مرتکب اشتباهی می شدند به شدت آنها را مجازات می کرد در گزارش دیگری درخصوص احداث قلعه آمده است در این قلعه، مقر حاکم به شکل بسیار زیبایی ساخته شده بود رو به روی قلعه افسر پرچمدار زندگی می کرد، اطاقهای آماده پذیرایی از مهمانان حاکم، انبارهای پر از کالا، باغ، آشپزخانه قلعه درپشت باغ قرار داشت، کاروانسرا، ساختمان های سنگی محل سکونت کارکنان هلندی، ارمنی، هندی، فروشندگان ایرانی و عرب، ماهیگیران، پیشه وران و غیره، بازار خارگ هم در همین منطقه قرار داشت.

پروتستان ها و کاتولیک ها در این شهر اطاقهایی برای مراسم های مذهبی داشتند کلیسایی خوب و کوچک در جزیره خارگ وجود داشت و این کلیسا دارای ناقوس داشت کیپ هاوسن برای تشویق مسیحیان فقیر مقیم بصره برای عزیمت به خارگ اقداماتی به عمل آورد و به آنان قول دادکه به هر خانواده فقیری که به خارگ مهاجرت کند خانه خواهد داد و یا مبلغ ده تومان برای ساختن خانه به آنان مساعدت پرداخت خواهد شد. او همچنین طرحی برای آوردن چینی ها به منظور اسکان آن در جزیره خارگ در دستور کارش قرار داشت.

بارون از سال ۱۷۵۳ الی ۱۷۵۹ به مدت شش سال در جزیره خارگ اقامت و مشغول به فعالیت بود و با توجه به گزارشهای گزارشگران در مدت کمی که بارون در جزیره خارگ اقامت داشت از این جزیره ناحیه ای بسیار مستحکم، قدرتمند، پرثروت ساخت تا جایی که در هنگام ورود بارون کنیپ هاوسن جزیره خارگ بیش از دویست نفر جمعیت نداشت در اندک زمان کوتاه جمعیت آن به دوازده هزار نفر رسید زندانیان سیاسی سالهای دهه اواخر ۱۳۲۰ و اوایل ۱۳۳۰ شمسی به جزیره خارگ تبعید شده بودند و مدت حبس خود را در آن جزیره سپری می کردند در گزارشهای خود از استفاده خطوط راه آهن که از اسکله و بارانداز آن جزیره تا تخلیه کالا در انبارها احداث شده بود و همچنین یگان نظامی مستقر در تبعیدگاه از همان میله فلزی پرچم که توسط استعمار هلندیها از آن استفاده می شد بهره می بردند اشاره نمودند.

انگلیسی ها هم درغیاب و زندانی بودن میرمهنا در اصفهان از فرصت استفاده کردند و به بهانه تجارت تصمیم گرفتند یک مرکز تجاری جدید در بندرریگ مقابل جزیره خارگ به همان اندازه و به همان شکل قلعه هلندیها احداث نمایند قصد آنها بیشتر جلوگیری از نفوذ هلندیها در این بخش بود میرمهنا به محض آزادی از زندان و بازگشت به بندرریگ اقدام به تخریب قلعه نمود و در نوامبر ۱۷۵۶ فرانسیس وود و کلیه کارکنان شرکت انگلیسی را در میان بشکه های پراز باروت و با تهدید از بندرریگ اخراج کرد در گزارش نیبور آمده است آقای بوشمان توانسته بود در ابتدای کارش کمی وجه به دست آورد میرمهنا بهترین افسرش را با تعداد زیادی همراه پیش بوشمان فرستاد تا در رابطه شان مذاکره شود بوشمان از سفیر و همراهان او به تعدادی که میل داشت اجازه ورود به قلعه را داد در حالی که بوشمان در سالن ورودی روی صندلی راحتی لم داده بود سفیر میرمهنا را به حضور پذیرفت منشی های بوشمان در کنارش ایستاده بودند و همه محافظان و خدمتگزاران سیاه پوست در دو طرف سالن با شمشیر های برهنه و براق ایستاده بودند بوشمان پس از به حضور پذیرفتن سفیر میرمهنا او را روی دیوار قلعه برد و توپهای مستقر شده و آماده شلیک را به او نشان داد و توضیح دادکه از هر طرف که مورد حمله قرار بگیرد می تواند از قلعه به خوبی دفاع نماید تمام این نمایش با چنان قاطعیت که عادت بوشمان بود همراه بود سفیر میرمهنا که چنین قلعه مستحکم و توپخانه ای به این عظمت و به این گستردگی ندیده بود با دست به شانه ی بوشمان زد و گفت اگر چنین قلعه ی به این عظیمی را از تو بگیرند تو لیاقت این را نخواهی داشت که به تو فرمانده و حاکم قلعه بگویند پایان کار هلندیها در محرم الحرام سال ۱۱۸۶ ه ق و شهادت سرور شهیدان عالم حضرت عباعبدالهد الحسین مراسم عزاداری و سینه زنی عظیمی درخارگ و خارگو برگزار گردید و موقتا جنگ تحت شعاع عاشورا قرار گرفت ناوگان حکومت مرکزی به پشتوانه قوای مشترک نظامی هلند و انگلیس که خارگ را به محاصره خود درآورده بودند در نبردی سخت و سنگینی که در گرفت قوای دشمن به سختی شکست خوردند و خسارت فراوانی به آنان وارد آمد که از جمله آن می توان به کشته شدن یکصد پنجاه نفر از قوای دشمن اشاره نمود که از تعداد پنجاه و پنج نفر از سربازان هلندی بودند پس از این پیروزی سپاهیان میرمهنا جسارت بیشتری پیدا کردند و در دسامبر ۱۷۶۶ با همه قوای خود به خارگ حمله برد و نیروهای از جان گذشته او در خارگ پیاده شدند تعداد نیروهای میرمهنا بیشتر از دویست نفر نبودند با این وجود هلندیها به شدت ترسیده بودند و ابتکار عمل را کاملا از دست داده بودند و نتوانستند حمله قوای میرمهنا را دفع نمایند و تنها راه و چاره را در این دیده بودند که تمام نیروها در پشت حصارهای قلعه موسلستاین موضع گیری و از سنگرهای محکم خود شروع به شلیک توپ به مواضع میرمهنا نمایند در شب ۲۷ رجب ۱۱۸۰ ه.ق میر مهنا با شهامت و شجاعت از باروهای بیرونی قلعه بالارفت ودریک نبرد خونین بخش بیرونی قلعه را به تصرف خود درآورد و اکنون بجز درونی قلعه سراسر خارگ درتصرف قوای مسلح میرمهنا قرار داشت آخرین مقاوت در داخل قلعه موسلستاین ادامه داشت جنگ به شدت ادامه داشت و تلفات زیادی از طرفین جان خود را ازدست داده بودند.

قوای مسلح هلندی با وجود در اختیار داشتن بالغ بر شصت فروند کشتی جنگی وقایق های توپدار عملا نتوانستند کاری از پیش ببرند و در اواخر رجب کلیه افسران و سربازان مسلح هلندی تسلیم شدند و قلعه با این عظمت با محافظانی که با چنگ و دندان مسلح بودند و از آن محافظت می کردند با کلیه تجهیزات نظامی در مقابل اراده و توانایی قوای مسلح و مصمم قدرت تحمل نداشت و قلعه با عظمت و تسخیر ناپذیر موسلستاین پس از پانزده سال و نبرد بی امان دربرابر یاران انک ولی مصمم وبا انگیزه سرتسلیم فرود آورد و به حضور مستمر بیش از۱۴۴سال بزرگترین و قدرتمندترین استعمارگر که نه تنها ادعای مالکیت جزیره خارگ را داشت بلکه به تمامی نواحی بنادر و جزایر خلیج همیشه فارس نیز تسلط کامل داشت برای همیشه خاتمه داد و با به زیر کشیدن پرچم هلندهای استعمارگر پرچم لا اله الا اله ـ محمد رسول اله بر بلندترین نقطه قلعه به احتزاز درآورد. تاریخ زندگی و شرح مبارزات ضداستعماری میرمهنا توسط دشمنانش نوشته شده است در جهت بدنام کردن او از دادن هر گونه نسبت های ناروا کوتاهی نکرده اند و نمی کنند این کینه و دشمنی با میرمهنا همچنان ادامه داشته و خواهد داشت در اسناد آمده است که میرمهنا از سادات بزرگ و جلیل القدر بحرانی و اعقاب امام موسی کاظم (ع) و به میرمهنا موسوی امامزاده ایی معروف بوده است و بسیار مورد احترام ساحل نشینان بنادر و جزایر خلیج تا ابد فارس بوده و هست پس از قرارداد ننگین و ظلت بار کریم خان و انگلیس در سال ۱۷۶۷ حسن سلطان با حمایت های همه جانبه قوای دریایی انگلیس و دولت مرکزی بر علیه میر مهنا دست به کودتا زد و زمام قدرت را به دست گرفت در نهایت قلعه هلندی ها روز به روز عظمت خود را از دست داد و رو به ویرانی نهاد و کلیه تجهیزات و لوازم موجود و همچنین مصالح ساختمانی باقی مانده از خرابی قلعه موسلستاین از جمله انواع الوار، ستون، تیرهای چوبی و فلزی، دربهای چوبی، چندل، انواع سنگها و ماسه به کار رفته در ساختمان و سایر لوازم موجود که در احداث ساختمان سازی کار ساز بود توسط موتور لنجهای باری کوچک و بزرگ به مقصد مختلف از جمله آبادان، گناوه، بصره و ... بارگیری و حمل شد و یا اینکه در خود خارگ مورد استفاده قرار گرفت تا جایی که در حال حاضر هیچ گونه اثری از آن قلعه باقی نمانده است و در یک جمله کاملا با خاک یکسان شده است؟

منابع:
۱ ـ سفرنامه کارستن نیبور/ ۲ ـ هلندیها در خلیج فارس ـ ویلیام فلور / ۳ ـ دریانوردی ایرانیان ـ اسماعیل رایین / ۴ ـ ایران و کریم خان زند ـ غلامعلی رجایی / ۵ ـ میرمهنا بندرریگی رویاروی انگلیس و هلند ـ سید قاسم یاحسینی / ۶ ـ از آرکیا تا خارگ ـ عبدالله امانی
۷ ـ تاریخ و آثار باستانی جزیره خارگ ـ رضا دشتی
۸ ـ هفته نامه نسیم جنوب

فرماندار جدید شهرستان عسلویه و انتظارات مردم

علی هلالی - روستای خیارو - شهرستان عسلویه

سال ۹۲ را فقط با اولین روز رفتن دانش آموزان بعد از گذراندن تعطیلات نوروزی به خوبی می توان احساس کنی، دانش آموزانی که در شهرستان عسلویه از همه افراد مظلوم تر هستند. صبح های با بی وسیله بودن و نبودن خط واحد مابین شهرها و روستاهای شهرستان و خطرناک بودن جاده ها در عسلویه همه به هم دست می دهند تا روزی نو ازسال نو بر صورت بیشتر از آنها بی حوصلگی نمایان شود.

اولین روزش با دانش آموزی برخورد کردم که وسط راه چاه مبارک تا بستانو با کتاب های بدون کیفش ایستاده و منتظر ایستادن ماشین بود. وقتی سوار ماشین شد به من گفت: بچه نخل تقی هستم. می گوید: نخل تقی دبیرستان ندارد فقط تابلوی بنام دبیرستان ولی در اصل هنرستان بیش نیست. رشته اش تجربی بود و این رشته باز در شهرعسلویه نیست.



از درد دلش غصه دیگر بر دل نشست ... روزها به همین شیوه در شهرستان عسلویه در حال گذشت هستند. چند روز پیش روز کتابخوانی کودک و نوجوان بود. تمام شبکه های کشور از داشتن کتابخانه های کودک ونوجوان به خود و به جمهوری اسلامی وعدالت محوری می بالیدند و اما در اینجا ماتمی با سکوت وحشتناک و زوزه گاز به گوش می رسد. سالها یک ساختمان کودک و نوجوان با تابلوی دارا و سارا جنب دفتر امام جمعه ساخته شده است ولی خبری از افتتاحیه آن نیست. یک تبلیغ برای داشتن هاست ...

در مقابل آن یک ساختمان سه طبقه آجری و دیوار میله ی مظهر آبادی ایستاده است ولی باز نه افتتاح می شود ونخواهد شد ... آری، منظورم از بیمارستان عسلویه است ... باور شدنی است در عسلویه همه چیز پیدا می شود خیالها وخوابهای وحشتناک به واقعیت می توان بپیوندی...

درآن کنار، بهمن شبکه صدا وسیمای بوشهر در هر خبر مژده افتتاح بیمارستان عسلویه می داد دلها را با خبر خوشحال می کرد ولی نمی دانم کدام حرف مسئولی را شنیده است وعده های محقق نشدن برای عسلویه ...

جانها اگر درعسلویه ارزش داشت به این صورت پیش نمی رفت... همه می گفتند آقای نادری مسبب تحقق نیافتن بیمارستان عسلویه بود ولی حال که همه عوض شدن چه کسی مقصر است... ؟

در این هیاهوی دردها جویا شدن از کار و بیمارستان عسلویه حکایتی دیگر است می توان به افسانه تشبیه کرد!!! بیمارستان حرف و قضیه چند سال و یک دهه بیش بود ... حالاهم که دوستان لامردی بومی شدند فکر نکنیم کاری بتوان بیدا کنیم... تاحالا مشکل خود جوانان بومی عسلویه حل نشده است تا جوانان دیگر ملحق شوند... شاید این مقدمه ای برای الحاق عسلویه به فارس است... چه قدر راحت است با یک مداد سیاه می توان نقشه عسلویه را به فارس بپیوندیم...

کمرهای خسته آوردن سیلندرهای گاز در روستا و بخش های عسلویه دیدنی است برای مسافران که یک عکس خبری مهم در صفحات درج شود و آسمان مه آلود و رنگی یک خبر دیگر افزوده مواد شیمیایی برای پخت وکباب شدن دلهای صاف و آبی مردم عسلویه شود... چه چیزی عسلویه ممتاز می کند ... دزدی، اعتیاد، جنایت ها و فساد اخلاقی که هر روزه با آمدن سیلی از کارکنان در عسلویه و ضربه زدن به فرهنگ بومی که هیچ حمایتی از از هیچ سازمانی نمی شود چیزی دیگر نیست... پشت این همه قضایا مردمی هستند با خدای پاک و فعالیتهای فرهنگی، محیط زیستی، آموزشی و تربیتی به عنوان خود جوشی مردمی که ستونی محکمی است در برابر این نامالایمات و این بی مهری است... مردمی که جوانان خود در برابر این طوفان تحول همچون بید با ریشه های ضخیم در خاک ثبت کرده است...

امیدوارم سال نو حداقل سرویس برای آیام امتحانات دانش آموزان گذاشته شود تا بتوان با خیال راحت امتحان گرفته شود.

پارکینگ نامناسب برای توقیف موتورسیکلت ها در بوشهر

حسن حسنی: براساس قوانین راهنمایی و رانندگی در مورد موتورسیکلت ها، حرکت در پیاده رو یا در جهت مخالف مسیر، ایجاد عمدی صدای ناهنجار، حمل بار غیرمتعارف، حرکت نمایشی مارپیچ، تک چرخ، حمل یدک، استفاده نکردن از کلاه ایمنی و تردد در خطوط ویژه اتوبوسرانی با موتورسیکلت، تخلف محسوب می شود و مأموران موظفند ضمن صدور قبض جریمه، برای توقیف موتورسیکلت حداکثر به مدت یک هفته و در صورت تکرار یک ماه اقدام کنند.

قانونگذار در مورد محل توقیف موتورسیکلت ها در قانون مطلبی را ذکر ننموده است، اما بر اساس استانداردهای موجود برای پارکینگ ها تعریف مشخص ذکر شده است.

سوال من به عنوان یک شهروند از فرمانده انتظامی استان و معاونت راهنمایی و رانندگی بوشهر این است آیا محل نگهداری موتورسیکلت ها در تنگک ۳ که به نام پارکینگ ذکر شده است، استانداردهای لازم را دارا می باشد؟ آیا محلی که هم اکنون موتورهای مردم در زیر باران و آفتاب نگهداری می شود و هیچ سقف یا سایه بانی برای آن ها در نظر گرفته نشده است، می توان به عنوان پارکینگ نام برد؟

وقتی آفتاب رنگ موتورها را از بین می برد و صندلی ها را آسیب می زند، عزیزان مسئول چه پاسخی برای مردم دارند؟ به امید ترتیب اثر مسئولان مربوطه.

ورزشی
۷
نسیم جنوب
شماره ۶۹۷ - یک شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

نارضایتی مردم از عملکرد مسئولین استان در ورزش

در نظرسنجی که بمدت ۲۰ روز در سایت پایگاه اطلاع رسانی ورزش بوشهر قرار داده شده بود، ۹۱ درصد از مردم نمره‌ی منفی به عملکرد مسئولین استان در سالی که گذشته بود دادند که این موضوع می‌تواند زنگ خطری جدی برای مسئولین استان بوشهر باشد، تا به خود بیایند و بیشتر به فکر رسیدگی به امر ورزش این استان باشند.

ارسال کمکهای باشگاه ایرانجوان خورموج به مناطق زلزله‌زده

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ورزش بوشهر: محموله کمک های ایرانجوان خورموج که مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حاصل عواید دیدار خیرخواهانه این با ایرانجوان بوشهر و ۱ میلیون تومان خود با شگاه متقبل شده بود، سه روز پس از این دیدار به منطقه زلزله زده شنبه و بخش طسوج ارسال شد .
این محموله مجموعا به ارزش حدود ۲ و نیم میلیون تومان که صرف خرید کلمن آب برای مصرف خانواده های آسیب دیده این منطقه شده بود،با هماهنگی اداره ورزش و جوانان شهرستان دشتی و توسط حاج غلامرضا منفرد موسس باشگاه، تحویل دهیار شنبه شد. /وبلاگ ایرانجوان خورموج

قهرمانی تیم والیبال کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر



تیم والیبال کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر مقام نخست مسابقات والیبال منطقه ۱۶ دانشگاه آزاد اسلامی را کسب کرد
به گزارش روابط عمومی واحد بوشهر در این رقابتها که به مدت سه روز در سالن والیبال دانشگاه آزاد اسلامی واحد خارگ برگزارشد تیم های از واحد های، یاسوج ، گچساران، دشتستان و خارگ حضور داشتند .
شایان ذکر است : این دوره از مسابقات به صورت دوره ای برگزار شد و بازی آخر بین تیم های واحد های بوشهر و دشتستان برگزار شد که در پایان تیم های واحد های بوشهر، دشتستان و گچساران به ترتیب به مقام های اول تا سوم را کسب کردند .

کمک شطرنج باز ۹ ساله بوشهری به زلزله زدگان

در جدال دیدنی و جالب سیمولتانه (بازی شطرنج یک نفر با چندین نفر) مهندس سام بویری (قهرمان نه چندان دور استان بوشهر) در محل خانه شطرنج بوشهر که نتیجه آن ۳۷ برد و۲ تساوی (به نویسا گودرزی و امیرحسین گل) و یک باخت (به داوود وحدتیان) بود، جوایز برد از سام بویری یکصد هزار تومان و تساوی با وی پنجاه هزار تومان که پس از پایان بازی اهداء شد و نویسا گودرزی (بازی کن ۹ ساله) در اقدامی بسیار زیبا جایزه خویش را به زلزله زده گان دشتی استان بوشهر تقدیم نمود و بویری نیز با اهداء مجدد جایزه اقدام زیبای وی را پاسخی پسندیده داد.

دعوت از ۲ بازیکن دریانوردان به تیم ملی

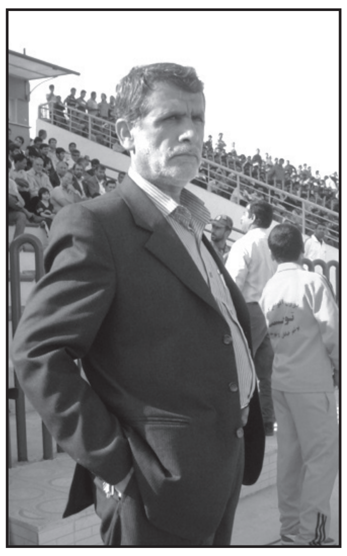
به گزارش سایت رسمی فدراسیون فوتبال، اردوی آماده سازی تیم ملی فوتبال ساحلی در آکادمی ملی فوتبال برگزار می شود و سید پیمان حسینی، محمدر ضا حاجی پور حاجی ، مهدی حسنی ، علی نادری، امیرحسین اکبری ، مهران مرشدی زاده ، فرید بلوکباشی ، محمد احمدزاده، مسلم مسیگر ، محمدعلی مختاری، مصطفی کیانی نفراتی هستند که باید خود را به کادر فنی در کمپ تیم های ملی فوتبال معرفی کنند.

چرا شاهین را به این روز درآوردید؟



سایت "دوراهک نیوز" از رسانه های خبری جنوب استان نوشت: این بود سرانجام شاهین دوست داشتنی؛ سقوط و دیگر هیچ...
شاید تنها شاهینی در دنیا که به راحتی بالهایش شکستند و راحت‌تر از آن شکارش کردند.
در سکوتی غم انگیز شاهین دوست داشتنی فوتبال ایران رفت و سهمش چیزی نشد جز سقوط... هنوز هم باور اینکه آخرین شاهین تیز پرواز فوتبال ایران چنین مظلومانه شکار شد سخت است اما چه می شود کرد و چه می شود گفت.
زلزله دشتی غم کوچکی نبود و آن قدر بزرگ و درد آور بود که اصلاً سقوط تیم شاهین بوشهر از لیگ آزادگان به نظر نیاید. اما نمی توان از کنار آن به راحتی گذشت...
اکنون کجایند آن مدیرانی که در صف مصاحبه ایستاده بودند و به دنبال شهرت می گشتند. آنهایی که با سوء مدیریتشان دلخوشی مردم را از آنان گرفتند. الـان موقع مصاحبه است الـان وقت آن رسیده که توضیح دهید شما را چه به فوتبال... باید بگویند چرا شاهین عزیز به این روز افتاد. یکی به این مردم توضیح دهد چرا بازیکن درجه چندمی برای شاهین تیم بست؟ چرا مربی اخراجی دوباره بر می گردد و چرا مدیر و مربی موفق برکنار می شوند؟
گرچه توضیح مدیران نالـایقی که شاهین را به این روز انداختند دردی را دوا نمی کند. اما واقعاً دوست داریم بدانیم هدف بعضی‌هـا از آمدن به فوتبال چیست و چه بود؟
حضور شاهین در سطح اول فوتبال ایران آیا جز ایجاد شور و هیجان در مردم و در پی آن به وجود آمدن همبستگی و وحدت بین هم استانی ها چیز گران قیمت تر دیگری به همراه داشت؟ آیا جز این بود که مردم با بردش شاد و با شکستش غمگین می شدند. چه کسی پاسخگوی آین مردم است؟ چه کسی پاسخگوی جوانانی است که هیجاناتشان را به جای کوچه و خیابان در ورزشگاهها تخلیه می کردند؟
شاهین رفت. اما آنچه می ماند بغضی است که در گلو و غمی که در سینه داریم و امیدی که به فردا هست...

دوانی رئیس هیئت فوتبال بوشهر :
اداره کل ورزش و جوانان اراده ای برای بر طرف کردن مشکلات ندارد



محمد دوانی رئیس ۱۱ ساله هیات فوتبال استان بوشهر از نظر و دید اداره کل ورزش و جوانان استان سرپرست هیئت فوتبال است ولی به نظر محمد دوانی او همچنان رئیس هیات است و نه سرپرست.
دوانی حدود دو سال است که با اداره کل ورزش و جوانان به مشکل بر خورده است؛ اداره کل خواهان رفتن وی از هیئت فوتبال است در حالی که دوانی تمام تلاش خود را برای بقا انجام می‌دهد، در حالی که کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال را پشتوانه خود می بیند و وزارت ورزش را مخالف.
رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: ظاهر قضیه اینگونه نشان می‌دهد که اداره کل ورزش و جوانان اراده ای برای بر طرف کردن مشکلات ندارد؛ این اول و آخر این قضیه است، اداره کل ورزش به صورت مرتب و مداوم با وزارت ورزش در ارتباط است یا حضوری مراجعه می کنند یا نامه نگاری می کنند و اصل حرف آنها این است که دوانی نباشد.
محمد دوانی اضافه کرد: ما هم مثل مابقی کاندیداها با شرایطی که وجود دارد می توانیم کاندیدا شویم و انتخابات برگزار شود هر کسی که رای آورد همان رئیس هیئت است فرقی نمی‌کند نفراتی باشد که اداره ورزش و جوانان مد نظر دارد یا شخص دیگری باشد.

نتیجه آرای مجمع هیئت فوتبال را با روی باز می‌پذیرم

وی ادامه داد: من کسی هستم که اگر واقعا رای به ضرر یا به نفع من باشد با روی باز آن را می‌پذیرم و ما برای استقلال فوتبال و اجرای دقیق قوانین و به‌ویژه اساسنامه هیات‌ها و فدراسیون آمادگی کامل داریم و ایستادگی می کنیم.
دوانی افزود: هیچگونه تخلفی از اساسنامه نداریم و حرف‌هایی که زده می‌شود بی‌انصافانه است و هدف چیز دیگری است هر چند که هدف از اول مشخص بوده و چون که هدف مشخص بوده حالا شما هر کاری که دوست دارید انجام بده، یک نخواستنی وجود دارد و این نخواستن به دست آنهاست و در اختیار شخص دیگری نیست ولی تصمیم نهایی را اداره کل ورزش نمی گیرد و جای دیگری باید تصمیم نهایی را بگیرد.
وی یادآور شد: آقایان در اداره ورزش و جوانان می گویند دوانی با ما همکاری و تفاهم ندارد در صورتی که از بین تمامی هیات‌های ورزشی موجود هیچکدام مثل هیات فوتبال با اداره ورزش و جوانان همکاری ندارد ولی بحث لجبازی و غرض‌های شخصی است.

بعضی‌ها اعتقاد دارند نباید از اداره ورزش یا برخی افراد انتقاد کرد

رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر گفت: ما تا دو سال پیش مشکلی نداشتیم ولی دو سال پیش که گفتند دفتر نقل و انتقالات هیئت فوتبال باید به تهران برود و ما نفرستادیم و یک سری کارهای سیاسی انجام شد و ما ایراد گرفتیم و انتقاد کردیم ولی بعضی ها این نظر را دارند که رئیس هیات نباید از دستگاه ورزش یا مثلا افراد انتقاد کند و ایراد بگیرد ولی ما نظرمان غیر از این است و اصل قضیه اینجاست.
وی ادامه داد: اگر قرار شد بازنشسته‌ها از کار کنار گذاشته شوند، هر چه رئیس هیات در استان و کشور هستند باید کنار بروند، هر چه رئیس فدراسیون بازنشسته است باید بروند و اگر این به نفع ورزش کشور است خوب انجام بدهند.
دوانی خاطرنشان ساخت: آنچه که در اساسنامه نوشته شده اجرا می شود، اساسنامه هیات ها و فدراسیون ها به تائید و تصویب کابینه دولت رسیده و فدراسیون فوتبال و فیفا آن را تائید کرده اند و اگر می‌توانند قانون را عوض کنند؛ ما با قانون جنگ نداریم و هیچ گونه مشکلی نداریم هر کجا قانون و اساسنامه صراحت دارد همان انجام شود.
وی اضافه کرد: بر اساس اساسنامه و طبق نظر فدراسیون فوتبال تا زمانی که انتخابات انجام نشده رئیس قبلی به قوت خود کارش را انجام می دهد با همان عنوان رئیس هیات فوتبال و نه سرپرست هیات فوتبال، چرا که ما سه ماه قبل از انقضای تاریخ چهارساله کارهای کامل مربوط به انتخابات را انجام دادیم و دستگاه دیگری آمده و مخالفت کرده است.

با قدرت به کارم ادامه می‌دهم

رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر بیان داشت: اساسنامه صراحت دارد که در صورتی که رئیس هیات فوت شود، استعفاء کند یا توسط مجمع بر کنار شود، نایب رئیس یا دبیر آن هیات می تواند به مدت سه ماه متولی کار شود و کارهای هیات را انجام دهد تا انتخابات برگزار شود و چیزی به نام سرپرست در اساسنامه وجود ندارد.
دوانی تصریح کرد: بنده با صراحت اعلام می کنم وقتی که پا به هیات گذاشتم منتظر آمدن کسی نبودم و نه حالا منتظر رفتن کسی هستم؛ ربطی به من ندارد که دولت چه کسی را مدیر می گذارد یا مدیر چه کسی است، این ارتباطی با من پیدا نمی کند و من از طرف مجمع هیات فوتبال انتخاب شده ام و نماینده اداره ورزش همان موقع نیز در انتخابات حضور داشته است حالا هم انتخابات باید برگزار شود و نماینده اداره ورزش نیز باید در این انتخابات شرکت کند و من منتظر تغییر دولت و تعویض مدیر کل اداره ورزش نیستم.
وی در پایان گفت: تاریخ برگزاری انتخابات مجمع هنوز مشخص نیست و رئیس فدراسیون باید به عنوان رئیس مجمع تاریخ مشخص کند و ما تا برگزاری انتخابات طبق وظیفه ای که داریم تقویم سالانه را تنظیم می کنیم و در این رابطه با فدراسیون مکاتبات لازم را انجام داده ایم و ما بقیه کارها بر عهده مجمع است.

طبیب نژاد مدیرعامل دریانوردان :
با خون دل و در سخت ترین شرایط به دنبال رفع مشکلات مالی دریانوردان هستیم



شیرهای پابرهنه بوشهری برای حضوری پرقدرت در لیگ برتر فوتبال ساحلی ایران استارت زدند.
به گزارش فوتبال بوشهر–پرافتخارترین تیم لیگ برتری تاریخ این دیار در کمترین هیاهوی خبری با پشتکار مثال زدنی برادران طبیب نژاد به دنبال جذب منابع مالی و تست گیری از جوانان مستعد بوشهری به کار خود ادامه می دهند.
حسین طبیب نژاد مدیرعامل این باشگاه در گفتگو با فوتبال بوشهر می گوید: حرف برای گفتن زیاد دارم، از کجا شروع کنم؟! با حضور برادرم عباس طبیب نژاد به عنوان سرمربی تمرینات آغاز گردیده و امسال قصد داریم با تکیه به جوانان همین شهر در کنار باتجربه ها،تیم خوبی را روانه بازی ها کنیم اما شرایط تیم داری هر سال سخت تر از گذشته می شود.
وی ادامه داد: ٤٠ درصد بابت فصل گذشته به بچه ها بدهکاریم حالا شما قراردادهای فصل جدید را هم محاسبه کنید! مهدی حسنی و مسلم مسیگر با پیشنهادات خوبی مواجه هستند که نگه داشتن این ۲ بازیکن برای ما مشکل به نظر می رسد! جوانان خوبی در تست گیری ما شرکت کرده اند و سعی داریم با کمترین نیروی غیربومی وارد لیگ برتر شویم!
طبیب نژاد افزود: بحث گله و شکایت نیست اما گاهی مواقع تبعیض میان رشته های مختلف ورزشی را نمی توان نادیده گرفت، فصل گذشته در بسکتبال بوشهر عمدتاً نیروهای غیربومی به کار گرفته شد و پول های خوبی هم هزینه شد اما نتیجه اش...! توقعات ما معقول و قابل پذیرش بوده و هست. چرا نباید از تنها تیم لیگ برتری استان حمایت ویژه صورت گیرد بر من پوشیده است؟!
مدیرعامل دریانوردان در خاتمه تصریح کرد: با خون دل و در سخت ترین شرایط به دنبال رفع مشکلات مالی تیم هستیم.

تبانی با بازیکنان شاهین بوشهر!

مهدی حسینی‌نسب، سرمربی شاهین بوشهر می گوید: تبانی را در مسابقات این فصل به چشم دیدم و فدراسیون باید برای مبارزه با این اتفاق، حکم قاطعانه علیه متخلفان بدهد و پای آن حکم بایستد
حسینی‌نسب در گفتگو با ایسنا افزود: در یکی از بازی‌های خیلی مهم فصل برای تیم ما و البته تیم حریف، شب قبل از بازی به ما خبر دادند که فردی به هتل آمده و دارد به بازیکنان ما پیشنهادی از تیم رقیب می‌دهد. البته چون ما به بازیکنان‌مان اطمینان کامل داشتیم، خیال‌مان بابت این موضوع راحت بود. وقتی با آنها صحبت کردم، تمام‌شان شهادت دادند که برای راه دادن به تیم حریف با آنها صحبت شده است.
گفتنی است اخیرا پرونده تبانی تیم شهرداری تبریز در لیگ آزادگان مطرح شده است.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

nasimjonoub.com

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
- ایمیل: info@nasimjonoub.com
- صندوق پستی ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: کارگر



زلزله در سرزمین خاک و گرما و تش باد

سجاد بهزادی : فردای روزی که خسته وتکیده از ماموریت نمایشگاه بین المللی نفت وگاز تهران به محل کارم برگشتم یادداشت دیگری روی میزکارم مشاهده کردم."ماموریت عکس وگزارش درمنطقه زلزله زده شنبه".... محل کارم را به مقصد شنبه ترک کردم و راننده ام که او نیز شوق دیدن همه آنچه شنیده بود داشت. زلزله شنبه جهانی شده بود و در روزهایی که تهران بودم نیز تنها بهانه ای کوتاه برای گفتگو در مورد زلزله شنبه با دیگر هم وطنانمان درتهران کافی بود. همه از عمق حادثه مطلع بودند.

ناآرامی‌های درونی زمین به اوج رسیده و در این لحظه که این یادداشت را می نویسم نیز گویی پایانی ندارد. پس لرزه ها و لرزه های عمیق تری در گوشه دیگر این دنیای هستی شنیده می شود. از چین گرفته تا شنبه و پاکستان. گویی در حال حاضر در دوره اوج تخلیه انرژی‌های درون زمین هستیم.

کارشناسی می گفت این روزها، دوره مهم و حساسی است که ضرورت دارد آمادگی مردم در کشور برای وقوع زلزله و همچنین حساسیت مسوولان استانی به فعالیت خرده لرزه‌ها - زمین‌لرزه‌های کمتر از ۳ ریشتر- افزایش پیدا کند. تجربه نشان داده است در برخی زلزله‌ها همچون زلزله بم، قبل از زلزله اصلی و بزرگ، چند پیش‌لرزه با شدت متوسط رخ می‌دهد

بنابراین حضور مردم در خیابان‌ها بعد از اولین تکان زمین، کاری عاقلانه می‌تواند باشد.

در هر زلزله ای تصاویر دردناکی به ثبت می رسد و تقریبا هیچ چیز از دید خبرنگاران پنهان نمی ماند. با برخی از مردم شنبه که صحبت می کردم حس آرامی داشتند . در این سرزمین خاك و گرما و تش باد. و حالا كه خانه و كاشانه هم از دست داده است در كنار مرگ عزیزان. این همه آرامش قدری برایم غیر طبیعی به نظر می رسید. با خودم می گفتم شاید هم آرامش قبل از طوفان باشد و



چند روزی که بگذرد آنگاه مصیبت ها مانند آوارها سنگین تر میشود. شاید هم به قول جبران خلیل جبران "فراموشی است که انسان ها را در این گونه مواقع آرام می کند و واقعا فراموشی بزرگ ترین آزادی است".

اما نکته ای که بی شك در زلزله شنبه نظر بیشتر کارشناسان و حتی مردم عادی را متوجه خود کرده بود ستون های بتنی بود که سقف خانه ای را تا حد نمردن صاحب خانه در برابر فشار زلزله بیش از۶ ریشتری استوار نگه داشته بود. تعدادشان کم بود اما پر ازسخن های ناگفته... اندك ستون های خانه های استوار در زلزله شنبه همان قدر با من حرف می زدند که انبوه آوارهای به جا مانده و مادران و پدران و فرزندان داغدار. در حقیقت ستون های استوار به جا مانده در زلزله شنبه علم نظام مهندسی ساختمان را شهادت می دادند و رخ نمایی می کردند.

کاشکی در میان این همه دارایی ایران زمین و ثروت هایی که می توان این کشور را گلستان کرد، سهم مردم عادی هم مشتی سیمان و آهن بود. نه به قدر توسعه ساختمان های مجلل مرفه نشینان که آن هم گوارای وجودشان باد. به قدر ساختن کلبه ای نه چندان مطمئن در شنبه که تنها مجال مردن را کمی عقب تر بیاندازد.

کابوس، وحشت و مرگ بر ویرانه ها موج می زد

محمد غلامی : ساعت ۱۶ و ۲۲ دقیقه ، زندگی لرزیده و فرو ریخته بود و همچنان ادامه داشت . کاکی مرکز زلزله بود و شُنبه درهم پیچیده شده بود. مادرم نگران زنگ زد . چند تن از دوستان پیام دادند و دخترم سارا از بوشهر گفت ۱ / ۶ ریشتر قدرت آن بوده و خبر همچنان می رسید از کشته ها که پیوسته بیشتر می شد. عبدالحمید علامه زاده اخبار را مدام رصد می کرد تا این که پس از غروب گفت: عمق فاجعه بیش از این هاست و می رویم. رفتیم. حسین علامه زاده و علی منصوری هم بودند. حاشیه ی اتوبان و ابتدای راه شهر شنبه شلوغ بود . راه را بسته بودند. فاصله طوری نبود که بتوان پیاده رفت. باید می رفتیم و رفتیم تا اول بار شُنبه را ببینم. چند سال پیش برای شب شعر در آنجا دعوت بودم که نرفتم چرا که از سفری طولانی برمی گشتم. خسته با دلی سرد و اما این بار می رفتم با چشمانی گرم. ماشین انباشته از مواد کمک های اولیه بود که آقای علامه زاده محتویات داروخانه ای در کنگان را یک جا خریده بود و مردم حاضر در داروخانه نیز هرکدام به نوعی اظهار هم دردی وکمک کرده بودند.



به مهدی شیخیانی زنگ زدم . تازه از شنبه برگشته بود . از حال و هوای آنجا برایم گفت . در بین راه ، چند بار کنترل شدیم. بالاخره به شُنبه رسیدیم. باور کردنی نبود. بارانی که چند روز پیش باریده بود نیز خانه ها را نمناک کرده بود تا زلزله با نزدیک به ۱۰ پس لرزه ی شدید، همه جا را با خاك یکسان کند. کابوس، وحشت، ویرانی و مرگ بر ویرانه ها موج می زد. شُنبه در بهت و سکوت مانده بود. زن و مرد حادثه کنار آوارها حیران و کودکان مبهوت بودند کنار انبوه تل های سنگی که تا ظهر امروز خانه آنها بوده. کسی توان شیون و فریاد نداشت. هنوز بهت بود و ناباوری.

در حیاطی بر باد رفته بودیم که مردی آمد و انبوهی سنگ را نشان داد و گفت : دو دختر خواهرم زیر آن خانه له شدند و خودش نیز کمرش شکست. جایی دیگر نادر استوار با تلفن همراه حرف می زد و اشك می ریخت. همه جا اشك بود و سکوت و تاریکی. زندگی شکسته بود. زندگی در هم مچاله شده بود و شاید تنها ستاره های سوگواری که در اولین شب اندوه شُنبه، به خاك نزدیکتر شده بودند، می توانستند عمق فاجعه را ببینند. ضجه های ماسیده بر جان ما را بشنوند و شاید آخرین نفس های احتمالی زیر آوار ها را حس کنند. بر گشتیم. اندوهناك بر گشتیم و می آمدیم درگیر با خیالات تلخ و اندیشه ی این داغ، از درون می گریستیم با همراهی استاد شجریان که می خواند: « یاد ایامی که در گلشن فغانی داشتم ... »

هوار

«به مناسبت زلزله دشتی»

دکتر مصطفی رجبی

غمی هوارِ دلم گشته از پریشانی
کنون که دم زنم از این هوارِ انسانی
ز بیم حادثه جز خاک دم نزد هیچش
چنان که می‌بردم در دیار ویرانی
چنان ز واقعه مخروبه گشته‌ام ای دل
کز این خرابی خویشم نه چشم سامانی
چرای حکمت هستی که آن شد و این شد
در این مدار وظایف نخواهدش دانی
نشان مرگ تو جانا عدالت تقسیم
ببین تجانس خاک گدا و سلطانی
اگر به عهده‌ی طفلی‌ست نقش تقدیری
چگونه دست اجل در رسد به دامانی
دوای درد جدایی‌ست جملگی با «او»
اگر که طالب دردی رسی به درمانی
فروغ عالم هستی از عاشقان روشن
خوشا به گوهر جان و به خاک ایرانی



اسامی ثبت نام کنندگان انتخابات شورای بندر بوشهر

انتخابات شورای بندر بوشهر مورد استقبال شهروندانی قرار گرفت که برای مشارکت در این شورا ثبت نام نمودند. از ۱۵۶ نفری که در انتخابات شورای بندر بوشهر ثبت نام نموده اند، ۲۱ نفر زن و ۱۳۵ نفر مرد می باشند که ۱۱ نفر به عنوان عضو اصلی شورای شهر بوشهر انتخاب می شوند. به گزارش خلیج فارس اسامی کسانی که گفته می شود در انتخابات شورای بندر بوشهر، ثبت نام نموده اند بدین شرح است:

۱.علیرضا احمدی
۲.عباسعلی ادیب نیا
۳.عبدالرحیم ارشاد
۴.روح اله ارشادی
۵.مهدی آرمات
۶.سعید آزاد شهرکی
۷.مهرداد آسایش
۸.محمد علی اسپویی
۹.میثم استوار
۱۰.نصرالله اسدی
۱۱.حامد اسماعیل پور
۱۲.خلیل افروشه
۱۳.جواد آماره
۱۴.علیرضا آماره
۱۵.سیدعلی امامزاده
۱۶.عبدالمحمد امینی زاده
۱۷.کوروش انصاری
۱۸.عبدالکریم ایزدبخش
۱۹.ابراهیم ایزدپناه
۲۰.محمدجواد بازدرهوا
۲۱.الهام بارگاهی
۲۲.سیدمحمدعلی باخدا
۲۳.نصرالله باغبانی
۲۴.غلامحسین برزگر
۲۵.عبدالخالق برزگرزاده
۲۶.محمدصادق بحرانی
۲۷.محمدحسین بجمی
۲۸.پگاه بختیاری پور
۲۹.محمدرضا دربندی
۳۰.مهدی بهرامی
۳۱.علی بهی نیا
۳۲.رضا بهی زاده
۳۳.علی کرم بهمنیاری
۳۴.محسن بهادری
۳۵.عبدالحسن بهزادی
۳۶.امین بهمنی
۳۷.حسین بی غش
۳۸امین بهمنی
۳۹.داریوش پوربهی
۴۰.مختار پوربهی
۴۱.حمید پورحیدر
۴۲.اسماعیل پورمومن
۴۳.حیدر پولادی
۴۴.کیهان تاجدینی
۴۵.یدالله یوسفی
۴۶.عبدالرشید تنگکی آزاد
۴۷.حسین جمالی
۴۸.عادل جمهوری
۴۹.محمدرضا جولایی
۵۰.سید حسین جعفری
۵۱.نازنین چاهی بخش
۵۲.زهرا چراغ زاده
۵۳.محمد چمکوری
۵۴.محمدصادق حاجیانی
۵۵.عبدالرسول حسنی
۵۶.سید خدیجه حسینی
۵۷.محمدحسین حسین پور
۵۸.فرامرز حقیقی
۵۹.محمدکاظم حق شناس
۶۰.صدرالله حیدری
۶۱.ماشاالله حیدرزاده
۶۲.غلامحسین خدام
۶۳.محمدمهدی خوشابی
۶۴.مهدی داراب پور
۶۵.نعمت اله دریانورد
۶۶.عبدالصمد دشتی
۶۷.عباس دشتی نجار
۶۸.محمد دمشقی
۶۹.محمد دوانی
۷۰.احمد دهباشی
۷۱.علیرضا دهقان
۷۲.ابراهیم دهیدفرد
۷۳.مسعود راویان
۷۴.مالک رستمی
۷۵.زهرا رضایی
۷۶.حیدر رفاهی
۷۷.نوشین رایزن
۷۸.علیرضا ریشهری
۷۹.سیدعلی ریشهری
۸۰.عبدالرزاق ریشهری زاده
۸۱.عبدالله رییسی
۸۲.علی اکبر رود
۸۳.عبدالرضا رئوفیان
۸۴.محمد قاسم زارع
۸۵.احمد زارعی
۸۶.عبدالرسول زاهدی
۸۷.فرشید زرین
۸۸.سعید زرین فر
۸۹.سید زهرا ساجدی
۹۰.سیدجلال سعیدی
۹۱.علیرضا سنایی دشتی
۹۲.فرهاد سهرابی
۹۳.سید احمد سیدزاده
۹۴.حمید شاه بندرزاده
۹۵.اسماعیل شاهپیری
۹۶.عبدالمحمد شیخ ابولی
۹۷.نعمت الله شیخ سقا
۹۸.جمشید شکوهی
۹۹.مسعود شکوهی
۱۰۰.ابراهیم شعبانی
۱۰۱.علی اکبر شمسا
۱۰۲.الهام شناگر
۱۰۳.صمصام شیروانی
۱۰۴.علیرضا صبوری
۱۰۵.مختار عباسی
۱۰۶.ندا عبدالله زاده
۱۰۷.اصغر عرفان نژاد
۱۰۸.فاطمه عطاری
۱۰۹.جلیل عظیم پور
۱۱۰.علی عمادی
۱۱۱.مجید غاله
۱۱۲.عبدالرضا فرهمندنیا
۱۱۳.نعمت الله قادری
۱۱۴.بهروز قاسمی
۱۱۵.یدالله قائدی
۱۱۶.غلامرضا قادریان
۱۱۷.علی اکبر قربانی
۱۱۸.عباس قلی پور
۱۱۹.منوچهر قیصی زاده
۱۲۰.احمد کازرانی
۱۲۱.سید مهدی کازرونی سنگی
۱۲۲.احمد کرکی
۱۲۳.سید آقا رضا کسایی
۱۲۴.عبدالعزیز کشوری
۱۲۵.علی اکبر کلوندی گله دار
۱۲۶.علی کولیوند
۱۲۷.خدیجه گرشتاسبی
۱۲۸.محسن گلستانی
۱۲۹.اصغر گورکی
۱۳۰.ابراهیم مرادی
۱۳۱.عبدالنبی محبی
۱۳۲.احمد محتشم
۱۳۳.اسماعیل مرحمتی
۱۳۴.جاسم مسلمی
۱۳۵.جهانبخش مصلحی
۱۳۶.علی مقاتلی
۱۳۷.نازنین ملک زاده
۱۳۸.خلیل موحد
۱۳۹.مهدی موجی
۱۴۰.اردشیر محمدی باغملایی
۱۴۱.جلال محمدی باغملایی
۱۴۲.فرشته محمدی باغملایی
۱۴۳.محمدرضا محمدی
۱۴۴.عبدالکریم محمدی
۱۴۵.محمدمهدی محمدی
۱۴۶.محسن میرشکاری
۱۴۷.عبدالرحمان نباتخور سنگی
۱۴۸.مهدی نظامی
۱۴۹.بهمن نکیسا
۱۵۰.محسن نجفی
۱۵۱.محمدنجفی
۱۵۲.سعیده وکیلی
۱۵۳.علی ولیان
۱۵۴.سید باقر هاشمی
۱۵۶.سیدمهدی هاشمی
۱۵۵. بی بی السادات هاشمی



فاجعه فاضلاب در محله های جنوبی بوشهر

اگر فقط یک بار به محله های جنوبی بوشهر رفته باشید بی شک شاهد فاجعه فاضلاب در آنجا بوده اید و به عینه وضعیت نابسامان آن را مشاهده کرده اید.

مردم محله های جنوبی شهر بوشهر سالهاست که از فاضلاب و وضع بسیار بد دفع آن رنج می برند، در زمستان معابر و خیابان ها نیازمند قایق است و رفت و آمد افراد پیاده در بیشتر قسمت های آن ناممکن و در برخی موارد نیز با مشکل فراوان روبه رو است، در تابستان نیز بوی گنداب های آن سلامتی هر موجود زنده ای را به خطر می اندازد.

حشراتی که در این محل های مسموم و اطراف این فاضلاب ها جمع می شوند سلامتی انسان ها و حیوانات را به شدت با خطرات عدیده مواجه می سازند و محیط را برای زندگی سالم سخت می نماید.

مدت هاست که این احساس در مردم این محله ها به وجود آمده است که مسئولین ما را از خود نمی دانند و برای رفع این معضل عملا کاری عملیاتی، دقیق و کاربردی انجام نداده اند و تنها به برخی کارهای مقطعی بسنده کرده اند.

حال سزاست در چند کیلومتری نیروگاه اتمی بوشهر، مظهر قدرت ملی و مایه افتخار مردم ایران زمین و نیز خلیج فارس، محل جولان دادن شیرمردان حماسه و جهاد شاهد این معضلات نازیبا باشیم که چهره شهرمان را زشت و مردم دیارمان را افسرده کرده است باشیم؟ هر طور که بخواهیم به این نابسامانی ها نظر کنیم اصلا قابل توجیه و دفاع نیست که مردم محله ها ی تنکگ بوشهر نتوانند در خیابان های خود حتی قدم بزنند و از حقوق مسلم شهروندی خود استفاده نمایند.

تا کی باید از کنار این فاضلاب ها که بوی تعفن آن شهر را فرا گرفته است گذشت و کاری جهت رفع این مشکلات نکرد؟ و تا کی شاهد نگاه های چند گانه به قسمت های مختلف شهر باشیم؟

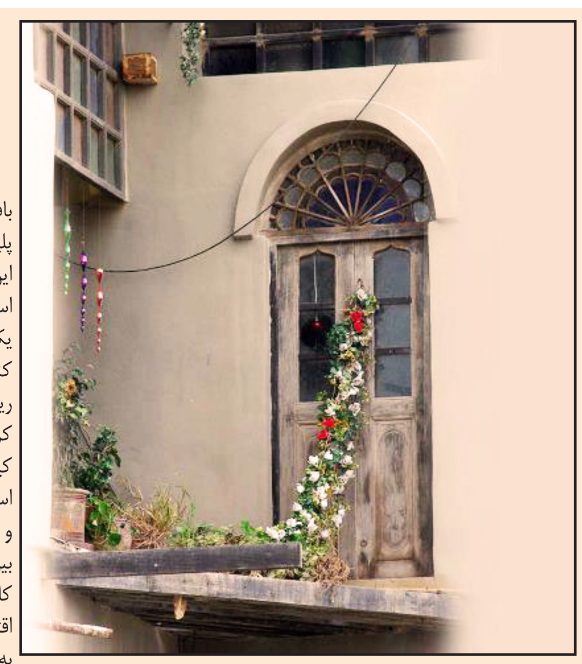
امید است مسئولین با چشم باز و راه کارهای مناسب جهت حل دائمی این نابسامانی ها تلاش کنند و با برطرف کردن این مشکلات گام مؤثری در فضا سازی شهر که یقینا در صنعت توریست و جهانگردی استان نیز تاثیر بسزایی خواهد داشت انجام دهند. مردم ما بهترین مردم و حق آنها بهترین هاست چه خوب است مسئولین امر حق این مردم خوب و ولایتمدار خود را به نحو احسن ادا کنند و به فرموده مولا علی (ع) خوشا به حال آنان که در طاعت خالق و خدمت مخلوقند.



منبع: دانشجو نیوز

بافت تاریخی بوشهر نیازمند اقدام فوری

کوروش سلطانی



بافت تاریخی بوشهر در حال احتضار است. ویروس پلیدی به پیکرش رسوخ کرده. هر روز عضوی از این پیکر تنومند به غایت ارزشمند در حال ریزش است. بیماری واگیری در حال شیوع است که یکی یکی و آرام آرام به خانه های چهار محل نفوذ می کند. بافت تاریخی بوشهر در سکوت و انزوا فرو می ریزد. باید کاری کرد. اما چگونه؟ از کجا؟ چه باید کرد؟ شما بگوئید! کمک کنید!

کیفیت زندگی در بافت قدیم به شدت تنزل کرده است. محلاتی که زمانی عرصه اهتزاز عمارت تجار و رجال برجسته ی کشوری و کنسولگری های بین المللی بوده، اکنون به خوابگاه ارزان بهای کارگران مهاجر فصلی و قشرهای کم بضاعت اقتصادی جامعه تبدیل گردیده است که آنان نیز به دلیل کمبودها، به سختی دارند در آنجا زندگی می کنند - بگذریم از مردمان شریفی که خاك کوی اجدادی را کاخ محلات نوساز و بی هویت شهر نمی دهند و به هر قیمتی در بافت تاریخی مانده اند- اما چرا؟ چرا کیفیت زندگی در بافت تاریخی تا بدین پایه تنزل یافته است؟ چه کسی مسئول است؟ به نظر همه مسئولند. اینگونه نیست؟ شما بگوئید! کمک کنید!

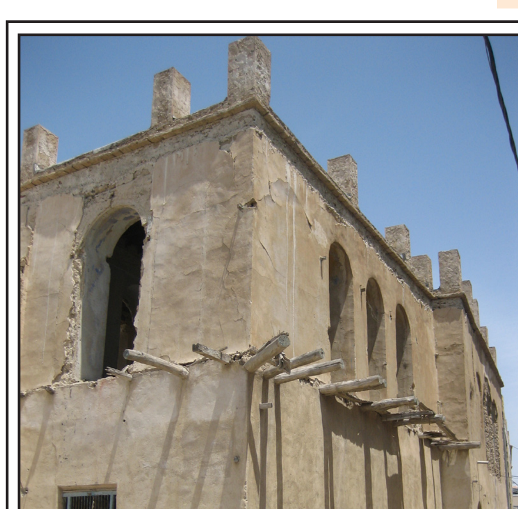
ساکنین چهارمحل بندر بوشهر از چهارسو در هجوم بی وقفه و فراگیر معضل فاضلاب، نا امنی ناشی از فعالیت و حضور گروه های نامتعارف و بعضا بزه کار، افت شدید کیفیت زندگی و بی توجهی مسئولین گرفتار آمده اند. چه باید کرد؟ شما بگوئید! کمک کنید!

خانه های بافت تاریخی بوشهر را به بهانه ی اینکه فاقد ارزش اند، تخریب می کنند تا به زعم خود مردم محل را از شر جانوران موذی و استفاده بزه کاران برهانند و برجای آن ساختمان نوساز ارزشمندی بنا نمایند و چهره بافت را نوسازی کنند- مثل سایر نقاط شهر- نمی دانند که هر که هر سنگ و شیشه ی این خانه ها چون طلای ناب می ارزد. ظریفی می گفت می دانند و می کنند. ای کاش نمی دانستند. در برابر اینان چه باید گفت؟ چه باید کرد؟ شما بگوئید! کمک کنید!

اساتید برجسته ی معماری و شهرسازی ایران می گویند بافت تاریخی بوشهر ارزشی فراتر از حد تصور مردم و مسئولین دارد و تمام اجزای آن چون جان عزیز است و گرامی و باید حفظ اش کرد. چگونه؟ چه باید کرد؟ شما بگوئید! کمک کنید!

آری، شما بگوئید. شما در برابر تاریخ مسئولید و باید پاسخگو باشید. شما که میراث دار ارثی بس قیمتی و بی نظیرید. شما مردم و مسئولین! برخیزید! آستین همت برکشید و دست یاری دهید. میراث ماندگارتان در حال جان کندن است. کاری کنید- پیش از آنکه دیر شود- هرچند وقت تان به غایت تنگ است.

تخریب عمارت میراث فرهنگی پس از بازسازی؟!



ساختمان قدیمی بوشهر که توسط سازمان میراث فرهنگی بوشهر در دست مرمت است، بزودی تخریب می شود. یکی از شهروندان ساکن بافت قدیم بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب ضمن بیان این مطلب افزود: ساختمان آرام واقع در نبش ورودی محله کوتی کنار ساختمان رائین، که چندین ماه است توسط میراث فرهنگی در حال مرمت است، به زودی تخریب می شود.

ابراهیم تمهید افزود: این ساختمان که به نظر میرسد بیش از ۸۰درصد مرمت شده است، گویا به دلیل اختلاف بین مالك و میراث فرهنگی، تصمیم به تخریب و احداث بنای جدید در آن گرفته شده است. این تصمیم در حالی گرفته شده که ساختمان آرام در صورت تکمیل مرمت، می تواند به یکی از زیباترین ساختمانهای بافت قدیم که می تواند نشان دهنده سبك معماری بوشهر باشد، تبدیل شود. تصمیم به تخریب ساختمانی که توسط میراث در حال مرمت است، و در حالی که اجازه تخریب در بافت قدیم بوشهر باید از سوی میراث فرهنگی صادر شود، جای تعجب است و معلوم نیست چه کسی پاسخگوی دهها میلیون تومانی که برای مرمت این ساختمان تا کنون هزینه شده است، می باشد.

این شهروند بوشهری در پایان از میراث فرهنگی درخواست نمود تا جلوی تخریب این ساختمان قدیمی بوشهر را بگیرند.



سوء قصد به کارشناس شهرداری بندر بوشهر

یکی از کارشناسان شهرداری بوشهر مورد سوء قصد قرار گرفت. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب، در سه شنبه شب ماه جاری (سوم اردیبهشت) دو نفر با مراجعه به منزل یکی از کارشناسان ساختمانی شهرداری بندر بوشهر، وی را به ضرب گلوله تفنگ شکاری (ساچمه ای) از ناحیه پای راست و شکم مضروب کرده و سپس متواری شدند.

وی که از این سوء قصد جان سالم به در برده است، اکنون در بیمارستان شهدای خلیج فارس بستری است. از انگیزه مهاجمان اطلاعی در دست نیست.



دیشب که نمیدانستم برای کدامیک از درد هایم گریه کنم کلی خندیدم ! "صادق هدایت"